

لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) (اعاده شده از شورای نگهبان)

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>ماده (۲) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: <u>ماده ۲_ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.</u></p>	<p>۱_ ماده (۲) از این جهت که فعل یا ترک فعلی را که شرعاً مجازات داشته باشد ولی قانون متعرض مجازات آن نشده مستوجب مجازات نمی‌داند، خلاف موازین شرع شناخته شد. هرگاه این ماده به صورت متن سابق اصلاح شود، ایراد برطرف می‌گردد.</p>	<p>ماده ۲_ جرم، فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد.</p>
<p>*****</p>	<p>۲_ در بند (۲) ماده (۷) اطلاق تعزیرات نسبت به موارد تعزیرات منصوص شرعی، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۷_ ... ۲_ در صورتی که جرم ارتكابی از جرائم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد،</p>
<p>*****</p>	<p>۳_ اطلاق بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) نسبت به مواردی که شامل تعزیرات منصوص شرعی می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۸_ ... ۱_ متهم در جرائم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. ۲_ رفتار ارتكابی در جرائم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.</p>
<p>ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۰_ <u>در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد.</u> لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود: ۱_ اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نمی‌شود. ۲_ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجراء مجازات موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده</p>	<p>۴_ در ماده (۱۰) اطلاق مجازات، از این جهت که شامل مجازاتهای شرعی اعم از قصاص، دیات، حدود و تعزیرات منصوص شرعی نیز می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۰_ مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری (اعم از فعل یا ترک فعل) را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد. لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجراء مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بوضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر خواهد بود. هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم‌الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد: ۱_ اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نمی‌شود. ۲_ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجراء مجازات موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>مجازات موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.</p> <p>تبصره - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین ویا موارد خاص وضع شده است مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی شود مگر به تصریح قانون لاحق.</p>		<p>حکم تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف می دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.</p> <p>تبصره - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین ویا موارد خاص وضع شده است اعمال نمی شود مگر به تصریح قانون لاحق.</p>
<p>ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱۱ - قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:</p> <p>۱- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی وصلاحیت</p> <p>۲- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجراء حکم</p> <p>۳- قوانین مربوط به شیوه دادرسی</p> <p>۴- قوانین مربوط به مرور زمان</p> <p>۵- حذف شد.</p> <p>تبصره - در صورتی که در مورد بند(۲)، حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می شود.</p>	<p>۵- اطلاق ذیل بند (۵) ماده (۱۱) که اجراء قانون جدید در مقام اجرا را مشروط به شدیدتر نبودن آن از مقررات زمان صدور نموده است، خلاف موازین شرع شناخته شد زیرا چه بسا در زمان صدور اجراء خصوصیتی خلاف موازین شرعی بوده و اکنون منشاء خلاف بودنش از بین رفته است فلذا در زمان متأخر اجراء مجازات بنحو شدیدتری لازم است اگر چه قبلاً لازم نبوده است.</p>	<p>ماده ۱۱ - ...</p> <p>۵- قوانین مربوط به اجراء حکم واعمال مجازات، مشروط به این که از مقررات زمان صدور حکم محکومیت کیفری شدید تر نباشد.</p> <p>تبصره - در مورد بند(۲)، در صورتی که حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال خواهد شد.</p>
<p>ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱۲ - حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجراء آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.</p>	<p>۶- ماده (۱۲) از این حیث که مشخص نیست مراد از مرجع صالح آیا دادگاه صالح است یا اعم از آن، ابهام دارد و در صورت اعم بودن از دادگاه صالح، مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی می باشد.</p>	<p>ماده ۱۲ - حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجراء آنها باید از طریق مرجع صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.</p>
<p>تبصره ماده (۲۰) حذف می گردد.</p>	<p>۷- در تبصره ماده (۲۰) از آنجا که اطلاق عبارت «اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی ...» شامل اشخاص حقوقی می شود که تصدی گری می کنند نه حاکمیتی، لذا مغایر جزء ۹ اصل ۳ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰ - ...</p> <p>تبصره - اعمال مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی و یا اشخاص حقوقی که به موجب قانون خاص ایجاد شده اند، ممکن نیست.</p>
<p>*****</p>	<p>۸- در ماده (۲۷) اطلاق مجازاتهای تعزیری از این جهت که شامل تعزیرات و یا شلاقهای منصوص شرعی</p>	<p>ماده ۲۷ - مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم به موجب حکم قطعی لازم الاجراء حبس شده باشد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
	می‌شود و رعایت مقررات مذکور در این ماده بدون وجود مصلحت، خلاف موازین شرع شناخته شد.	اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم احتساب خواهد شد. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت یک ضربه شلاق یا صد هزار ریال محاسبه می‌شود. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی احتساب می‌شود. تبصره_ مبلغ مذکور در این ماده وسایر مبالغ مندرج در این قانون و قوانین دیگر از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت دولت تعدیل و در خصوص احکامی که بعد از آن صادر می‌شود لازم‌الاجراء خواهد بود.
<p>ماده (۳۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۳۴_ <u>اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.</u></p>	<p>۹_ در ماده (۳۴) نظر به اینکه عبارت «اخراج بیگانگان»، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۳۴_ <u>اخراج بیگانگان از کشور به صورت موقت یا دائم به نظر دادگاه خواهد بود.</u></p>
<p>ماده (۳۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۳۵_ <u>انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت انجام می‌شود.</u></p> <p>تبصره _ حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی منتشر می‌شود:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱_ رشاء و ارتشاء، ۲_ اختلاس، ۳_ اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ۴_ مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ۵_ تبانی در معاملات خارجی، ۶_ اخذ پورسانت در معاملات خارجی، ۷_ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت، ۸_ جرائم گمرکی 	<p>۱۰_ در ماده (۳۵) انتشار حکم مجازات در صورتی که موجب اخلال در نظم و یا اخلال در امنیت باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۵_ انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض، یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت انجام می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان جرم ارتكابی، یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، الزامی بوده و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی انجام می‌شود:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱_ رشاء و ارتشاء، ۲_ اختلاس، ۳_ اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، ۴_ مداخله وزراء و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، ۵_ تبانی در معاملات خارجی، ۶_ اخذ پورسانت در معاملات خارجی، ۷_ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت،

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>۹_ قاچاق کالا ۱۰_ جرائم مالیاتی ۱۱_ پولشویی ۱۲_ اخلال در نظام اقتصادی کشور ۱۳_ تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی تبصره ۲_ حذف شد.</p>	<p>۱۱_ تبصره (۲) ماده (۳۵) در مواردی که به تشخیص قاضی ذیربط کشف جرم، تعقیب، دستگیری متهم و مجازات مرتکب... متوقف به اعلام نام وی باشد، مغایر اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>۸_ جرائم گمرکی، ۹_ قاچاق کالا، ۱۰_ جرائم مالیاتی، ۱۱_ پولشویی، ۱۲_ اخلال در نظام اقتصادی کشور، ۱۳_ تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی. تبصره ۲_ اعلان مشخصات متهم قبل از قطعیت حکم به وسیله مقامات قضائی وانتظامی موجب محکومیت به مجازات مفتری خواهد بود.</p>
<p>*****</p>	<p>۱۲_ اطلاق ماده (۳۸) نسبت به تعزیرات منصوص مانند مجازات تعزیری روزه‌خواری، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۸_ در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجراء مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن، می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.</p>
<p>*****</p>	<p>۱۳_ اطلاق ماده (۳۹) در مواردی که متهم خلاف شرعی را مرتکب شده است در غیر تعزیرات بازدارنده و حکومتی، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۹_ در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: ۱_ وجود جهات تخفیف، ۲_ پیش‌بینی اصلاح مرتکب، ۳_ جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران، ۴_ فقدان سابقه کیفری مؤثر. تبصره_ محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را پس از اجراء حکم، بر اساس ماده(۲۵) این قانون تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.</p>
<p>*****</p>	<p>۱۴_ اطلاق ماده (۴۴) همان اشکال ماده (۳۹) را دارد، در صورت اصلاح ماده مذکور این ایراد رفع می‌گردد.</p>	<p>ماده ۴۴_ پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پاییندی مرتکب به اجراء دستورات دادگاه، گزارشهای مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد نسبت به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.</p>
<p>*****</p>	<p>۱۵_ تقاضای تعلیق در ماده (۴۵) در مورد مجازاتهای منصوص شرعی، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۴۵_ در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجراء تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری نیز پس از اجراء</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
		یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجراء احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.
*****	۱۶_ اطلاق مواد (۹۱) و (۹۲) از این جهت که شامل تعزیرات منصوص شرعی نیز می شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۹۱_ در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط حکم به پرداخت دیه و خسارت را صادر می کند. ماده ۹۲_ دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را تا نصف حداقل تقلیل داده یا به اقدام دیگری تبدیل نماید.
ماده (۱۰۲) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۱۰۲_ چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیر قابل گذشت محسوب می شود، مگر این که از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.	۱۷_ در ماده (۱۰۲) اطلاق غیر قابل گذشت بودن به مجرد عدم تصریح در قانون، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۱۰۲_ چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد غیر قابل گذشت محسوب می شود.
*****	۱۸_ در ماده (۱۰۴) جاری دانستن مرور زمان در موارد تعزیرات منصوص شرعی، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۱۰۴_ مرور زمان، تعقیب جرائم موجب تعزیر را در صورتی که از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضاء این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نشده باشد موقوف می کند: الف) جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضاء پانزده سال، ب) جرائم تعزیری درجه چهار با انقضاء ده سال، ج) جرائم تعزیری درجه پنج با انقضاء هفت سال، د) جرائم تعزیری درجه شش با انقضاء پنج سال، ه) جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضاء سه سال. تبصره ۱_ اقدام تعقیبی یا تحقیقی اقدامی است که مقامات قضائی در اجراء یک وظیفه قانونی از قبیل جلب، احضار، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می دهند. تبصره ۲_ در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود.
ماده (۱۱۴) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۱۱۴_ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.	۱۹_ مفهوم ذیل ماده (۱۱۴) در خصوص سایر جرائم و همچنین تبصره ذیل آن در مجازاتهای منصوص شرعی در صورت احراز توبه قبل از اثبات، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۱۱۴_ در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. تبصره_ مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، جاری نخواهد شد.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>تبصره ۱</u> مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.</p> <p><u>تبصره ۲</u> اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (۲) ماده (۷) و بندهای (۱) و (۲) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۴)، (۴۵)، (۹۱)، (۹۲) و (۱۰۴) شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.</p>		
<p><u>تبصره ماده (۱۲۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>تبصره_ اعمال مجازات <u>حدود</u>، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مقررات کتاب <u>دوم</u>، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.</p>	<p><u>۲۰</u> نظر به اینکه اطلاق ماده (۱۲۴) شامل حدود هم می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p><u>ماده ۱۲۴</u> هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرائم غیر عمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصرین شریک در جرم محسوب و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.</p> <p>تبصره_ اعمال مجازات قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مقررات کتاب سوم و چهارم این قانون انجام خواهد شد.</p>
<p><u>ماده (۱۲۷) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p><u>ماده ۱۲۷</u> هرکس از فرد نابالغ به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم <u>مستند به خود</u> استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.</p>	<p><u>۲۱</u> ماده (۱۲۷) از این نظر که منظور از عبارت «جرم خود» آیا جرم مستند به شخص یا اعم از آن است ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p><u>ماده ۱۲۷</u> هرکس از فرد نابالغ به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.</p>
<p><u>ماده (۱۳۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p><u>ماده ۱۳۹</u> مسؤولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد <u>به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم (قصاص) آمده است.</u></p>	<p><u>۲۲</u> عموم ماده (۱۳۹)، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p><u>ماده ۱۳۹</u> مسؤولیت کیفری تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد.</p>
<p><u>ماده (۱۴۳) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p><u>ماده ۱۴۳</u> در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.</p>	<p><u>۲۳</u> ماده (۱۴۳) از این نظر که قصد در رفتار مجرمانه، نتایج را در صورت علم خارج می‌کند یا نه، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p><u>ماده ۱۴۳</u> در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز باید احراز گردد.</p>
<p><u>ماده (۱۵۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p>	<p><u>۲۴</u> اطلاق ماده (۱۵۴) در مواردی که جهل شرعاً عذر</p>	<p><u>ماده ۱۵۴</u> جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست. مگر این‌که تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>ماده ۱۵۴_ جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر این که تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود. تبصره_ جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.</p>	<p>محسوب شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>تبصره_ جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.</p>
<p><u>ماده (۱۵۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:</u> ماده ۱۵۵_ هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت <u>مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود:</u> ۱_ رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ۲_ دفاع، مستند به قرائن معقول باشد. ۳_ خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ۴_ توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود. تبصره ۱_ دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد. تبصره ۲_ هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.</p>	<p>۲۵_ اطلاق ماده (۱۵۵) در مورد مراحل دفاع ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۱۵۵_ هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع مرتکب رفتاری شود که قانوناً جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نخواهد شد: ۱_ رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ۲_ دفاع مستند به قرائن معقول باشد.</p>
<p>بندهای (۳) و (۴) ماده (۱۵۷) به شرح زیر اصلاح شد: ۳_ در صورتی که ارتكاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد. ۴_ اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر این که اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد.</p>	<p>۲۶_ اطلاق بند (۳) ماده (۱۵۷) از این نظر که آیا شامل موارد دستورات و اوامر غیرشرعی مقامات هم می شود یا منصرف از این موارد است، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد. ۲۷_ در بند (۴) ماده (۱۵۷) از این جهت که حد متعارف تأدیب مقید به حدود شرعی نشده است نسبت به مواردی که متعارف خلاف شرع باشد، مغایر موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۵۷_ علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتكاب رفتاری که قانوناً جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نخواهد بود: ۱_ در صورتی که ارتكاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد. ۲_ در صورتی که ارتكاب رفتار برای اجراء قانون اهم لازم باشد. ۳_ در صورتی که ارتكاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد. ۴_ اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط به این که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد. ۵_ عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر این که سبب حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
		<p>۶_ هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود.</p>
<p>ماده (۱۵۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۵۸_ هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند، لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است.</p>	<p>۲۸_ در ماده (۱۵۸) از نظر نفی ضمان و دیه، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۱۵۸_ هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند، لکن مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که قانونی است، اجراء کرده باشد مجازات نخواهد شد.</p>
<p>ماده (۱۶۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۶۲_ اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آن که در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا این که جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب جانی یا خسارت مالی شده باشد، در مورد کسانی اعم از اداء کننده سوگند، شاکی یا شاهد که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، مطابق مقررات کتاب دیات عمل می‌شود.</p>	<p>۲۹_ اطلاق ماده (۱۶۲) از جهت حکم واحد برای موارد تقصیر و عدم تقصیر و نیز مواردی که ضمان به عهده بیت‌المال است، و تفصیل این موارد مشخص نشده، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۶۲_ اگر پس از اجراء حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آن که در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا این جرم رخ نداده است و متهم به علت اجراء حکم، دچار آسیب جانی یا خسارت مالی شده باشد، <u>کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور به آنان مستند است، اعم از سوگند خورنده، شاکی یا شاهد ضامن هستند.</u></p>
<p>ماده (۱۷۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۱۷۰_ هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر این که با بررسی قاضی رسیدگی کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد. در این صورت دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.</p>	<p>۳۰_ ماده (۱۷۰) از این جهت که آیا تحقیق و بررسی را به وسیله قاضی منع می‌کند یا نه ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۱۷۰_ هر گاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر این که قرائن و امارات بر خلاف مفاد اقرار باشد. در این صورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.</p>
<p>ماده (۱۹۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۱۹۵_ هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است.</p>	<p>۳۱_ در ماده (۱۹۵) عبارت «مگر اینکه...» باید اصلاح شود. (به مساله ۲۰ تحریر الوسیله ذیل القول فی الجواب بالانکار کتاب القضاء مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۱۹۵_ هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است، مگر این که عدالت سابق شاهد احراز شود و علم به تغییر مجدد آن نباشد.</p>
<p>ماده (۱۹۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۹۶_ هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد، تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند، مگر این که به نظر قاضی احراز شرایط در مدت ده روز ممکن نباشد.</p>	<p>۳۲_ ماده (۱۹۶) محدود کردن قاضی به توقف رسیدگی به مدت ده روز به صورت مطلق در مواردی که امکان کشف حال شاهد در مدت متعارف بیش از ده روز ممکن باشد، خلاف موازین شرع است. (به مساله ۱۳ و ذیل مساله ۱۶ کتاب القضاء تحریر، ذیل القول فی الجواب بالانکار مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۱۹۶_ هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت را شهادت شرعی محسوب نمی‌کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد، تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>ماده (۱۹۷) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱۹۷ _ رجوع از شهادت شرعی، <u>قبل از صدور حکم</u> موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.</p>	<p>۳۳_ اطلاق ماده (۱۹۷) نسبت به رجوع از شهادت بعد از صدور حکم و اجراء، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۸ و ۹ کتاب شهادت تحریر، ذیل القول فی اللواحق مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۱۹۷_ رجوع از شهادت شرعی، موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.</p>
<p>ماده (۲۰۲) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۲۰۲ _ سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبان ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیر مسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.</p>	<p>۳۴_ ماده (۲۰۲) از جهت این که آیا قبول تغلیظ بر اداء کننده سوگند لازم است یا نه، ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۰۲_ سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبان ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین می کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیر مسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.</p>
<p>ماده (۲۰۴) به شرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۲۰۴ _ سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعذر، با <u>نوشتن</u> یا اشاره ای که روشن در مقصود باشد، اداء شود.</p>	<p>۳۵_ در ماده (۲۰۴) سوگند بصورت نوشته در موردی که اتیان سوگند با لفظ ممکن باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰۴_ سوگند باید با لفظ یا <u>نوشتن</u> باشد و در صورت تعذر با اشاره ای که روشن در مقصود باشد، ادا می شود.</p>
<p>ماده (۲۰۷) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۲۰۷ _ حدود و تعزیرات با سوگند <u>نفی</u> یا <u>اثبات</u> نمی شود؛ لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می گردد.</p>	<p>۳۶_ ماده (۲۰۷) از این نظر که تعبیر ماده شامل نفی حدّ نمی شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰۷_ حدود و تعزیرات با سوگند <u>ثابت</u> نمی شود؛ لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرائم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات می گردد.</p>
<p>ماده (۲۰۹) به شرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۲۰۹ _ هرگاه ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداء کننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود.</p>	<p>۳۷_ در ماده (۲۰۹) انحصار مورد به پیش از صدور حکم، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰۹_ هرگاه پیش از صدور حکم، ثابت شود سوگند، دروغ و یا اداکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود.</p>
<p>ماده (۲۱۳) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۲۱۳ _ مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده <u>است</u>، اگر موجود باشد <u>عین آن را</u> و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان <u>رد مثل</u>، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات <u>وارد</u> نیز برآید. هرگاه از حیث <u>جزائی</u> وجهی برعهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.</p>	<p>۳۸_ در ماده (۲۱۳) حقوق عمومی از نظر مصادیق ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۱۳_ مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده، اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل و در صورت عدم امکان قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات <u>وارد شده</u> نیز برآید. هرگاه از حیث <u>حقوق عمومی</u> وجهی به عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.</p>
<p>ماده (۲۱۸) به شرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۲۱۸ _ در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعاء فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که</p>	<p>۳۹_ اطلاق ذیل ماده (۲۱۸) که مقتضی پذیرش آن نسبت به مواردی که اقرار نزد غیر قاضی صادر کننده حکم باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۱۸_ در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعاء فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که <u>همچنین است</u> اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است <u>ادعاء مذکور بدون نیاز به بینة و سوگند پذیرفته می‌شود.</u></p> <p>تبصره ۱- در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.</p> <p><u>تبصره ۲- اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.</u></p>		<p>است.</p> <p>تبصره- در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال صرف ادعاء مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.</p>
<p><u>ماده (۲۳۰) حذف شد.</u></p>	<p>۴۰- ماده (۲۳۰) از این نظر که تعزیر مذکور در ماده، تعزیر منصوص شرعی است، تعزیر درجه شش دانستن آن مستلزم جواز تبدیل به غیرشلاق است، لذا خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p><u>ماده ۲۳۰- اگر دو طرف یا یکی از طرفین رابطه نامشروع، دوجنسی باشد، در صورتی که اجمالاً احراز شود یکی از عناوین موجب حد مانند زنا یا مساحقه واقع شده است به مجازات همان حد و در غیراین صورت، هر یک به سی و یک تا نود و نه ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند.</u></p>
<p><u>ماده (۲۳۶) حذف شد.</u></p>	<p>۴۱- در ماده (۲۳۶) تقیید بخصوص اینکه از روی شهوت باشد و نیز اطلاق شمول آن نسبت به ذی‌رحم، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p> <p>ضمناً قید مجازات درجه شش که مستلزم جواز تبدیل مجازات شلاق به غیر آنست، خلاف موازین شرع شناخته می‌باشد.</p>	<p><u>ماده ۲۳۶- هر گاه دو یا چند مرد از روی شهوت و بدون ضرورت به صورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به سی و یک تا نود و نه ضربه شلاق تعزیری درجه شش و در صورت تکرار جرم و اجراء تعزیر در مرتبه سوم و بالاتر به یک صد ضربه شلاق محکوم می‌شوند.</u></p>
<p><u>یک تبصره به ماده (۲۳۷) به شرح زیر الحاق می‌گردد:</u> <u>تبصره ۲- حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.</u></p>	<p>۴۲- در ماده (۲۳۷) در خصوص اجراء حد در موارد بعد از اجراء حد در مرحله سوم، در کلیه موارد، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۱۲ فصل‌الثانی فی اللواط تحریرالوسیله مراجعه شود).</p>	<p><u>ماده ۲۳۷- همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفضیذ، از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.</u></p> <p>تبصره- حکم این ماده و ماده قبل در مورد انسان مونث نیز جاری است.</p>
<p><u>یک تبصره به عنوان تبصره (۱) به ماده (۲۴۲) به شرح زیر الحاق می‌گردد:</u> <u>تبصره ۱- حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیراین صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است.</u></p>	<p>۴۳- در ماده (۲۴۲) برای این که فاعل مستوجب حد قوادی شود تحقق زنا و لواط شرط است و در غیر این صورت فاعل مستوجب تعزیر می‌باشد.</p>	<p><u>ماده ۲۴۲- قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط.</u></p>
<p><u>ماده (۲۴۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u> <u>ماده ۲۴۳- حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و برای باردوم</u></p>	<p>۴۴- در ماده (۲۴۳) حکم به تبعید باید برای بار دوم و مدت آن باید با نظر حاکم باشد و بیش از یک سال</p>	<p><u>ماده ۲۴۳- حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق و تبعید از سه ماه تا یک</u></p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
علاوه بر آن، تا یک سال تبعید با نظر قاضی و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.	نباشد، بنابراین ماده مذکور از این جهت اشکال شرعی دارد.	سال و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.
ماده (۲۵۳) حذف شد.	۴۵_ در ماده (۲۵۳) اطلاق «باعث اذیت شنونده شود» نسبت به مواردی که شخص شرعاً استحقاق تخفیف دارد، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۲۵۳_ هر دشنام یا نسبتی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند، موجب مجازات تعزیری مقرر در توهین است.
ماده (۲۵۵) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۲۵۵_ نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده است، قبل از توبه مقذوف مجازات ندارد.	۴۶_ در ماده (۲۵۵) اطلاق استحقاق حدّ قذف برای کسی به جهت نسبت دادن همان زنا یا لواط قبلی، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۲۵۵_ نسبت دادن زنا یا لواط به کسی که به خاطر همان زنا یا لواط محکوم به حد شده، قبل از توبه مقذوف مجازات ندارد ولی پس از توبه وی موجب حد است.
ماده (۲۵۸) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۲۵۸_ کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندهگان می تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف شوندهگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی شود.	۴۷_ اطلاق ماده (۲۵۸) نسبت به موردی که هر یک جداگانه شکایت کنند مبنی بر جاری شدن یک حدّ، خلاف موازین شرع است. و اگر این ماده مطابق ماده (۱۵۲) قانون مجازات اسلامی فعلی اصلاح گردد، رفع اشکال می شود.	ماده ۲۵۸_ کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندهگان می تواند جداگانه شکایت کرده و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. در این مورد بیش از یک حد جاری نمی شود.
ماده (۲۶۳) به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۲۶۳_ هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و یا هریک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند ساب النبی است و به اعدام محکوم می شود.	۴۸_ ماده (۲۶۳) از این نظر که آیا شامل سایر انبیاء (علیهم السلام) می شود یا خیر ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.	ماده ۲۶۳_ هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را دشنام دهد یا قذف کند ساب النبی بوده و به اعدام محکوم می شود. تبصره_ قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است.
تبصره زیر به ماده (۲۶۴) الحاق می شود: تبصره_ هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه است.	۴۹_ موارد مذکور در ماده (۲۶۴) در مواردی که صدق اهانت کند تعزیر دارد، بنابراین اطلاق این ماده، خلاف موازین شرع است.	ماده ۲۶۴_ هرگاه متهم به سب ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب النبی محسوب نمی شود.
ماده (۲۶۵) به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۲۶۵_ مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره_ خوردن آب جو تنها زمانی موجب حد است که مسکر باشد.	۵۰_ تبصره ماده (۲۶۵) مبهم است اگر شامل فقاع شود، خلاف موازین شرع است.	ماده ۲۶۵_ مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن موجب حد است؛ کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به گونه ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره_ خوردن آب جو تنها زمانی موجب حد است که مسکر باشد.
ماده (۲۷۷) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۲۷۷_ سرقت در صورت فقدان هریک از شرایط موجب حد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است.	۵۱_ اطلاق تبصره ماده (۲۷۷)، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۲۷۷_ سرقت در صورت فقدان هر یک از شرایط، حسب مورد مشمول یکی از سرقت های تعزیری است. تبصره_ سرقت پدر یا جد پدری از فرزند یا نوه خود جرم نیست.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<u>تبصره حذف شد.</u>		
<p><u>ماده (۲۸۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p>ماده ۲۸۴_ انتخاب هر یک از امور چهارگانه <u>مذکور در ماده (۲۸۳)</u> به اختیار قاضی است.</p>	<p>۵۲_ ماده (۲۸۴) از این جهت که مشخص نیست آیا مقصود از «با رعایت تناسب» همان ترتیبی است که در روایات آمده یا خیر؟ ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۲۸۴_ انتخاب هر یک از این امور چهارگانه با رعایت تناسب به اختیار قاضی است.</p>
<p><u>بند (۲) ماده (۲۹۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>۲_ هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان است <u>به مجنی علیه</u> وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.</p>	<p>۵۳_ در جزء (۲) ماده (۲۹۲) عبارت «به دیگری وارد کند» اشکال دارد باید به همان شخص و یا شیء مورد نظر وارد کند و همچنین باید عبارت «محقون الدم» به موارد مذکور در این ماده اضافه شود.</p>	<p>ماده ۲۹۲_ جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود:</p> <p>۱_ هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته، لکن قصد جنایت واقع شده را نداشته باشد، جز در مواردی که مضمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد.</p> <p>۲_ هرگاه مرتکب جهل به موضوع داشته باشد مانند آن که جنایتی را با اعتقاد به این که موضوع رفتار وی شیء یا حیوان است <u>به دیگری</u> وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.</p> <p>۳_ هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر این که تقصیر، نوعاً سبب وقوع جنایت نبوده باشد.</p>
<p><u>ماده (۲۹۳) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p>ماده ۲۹۳_ جنایت در موارد زیر خطاء محض محسوب می‌شود:</p> <p><u>۱_ در حال خواب و بی‌هوشی و مانند آنها واقع شود.</u></p> <p><u>۲_ به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.</u></p> <p>۳_ جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.</p> <p>تبصره_ در مورد <u>بندهای (۱) و (۳)</u> هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.</p>	<p>۵۴_ تقیید تبصره ماده (۲۹۳) به بند (۳)، خلاف موازین شرع شناخته شد. باید بند (۱) رانیز شامل شود.</p>	<p>ماده ۲۹۳_ جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:</p> <p>۱_ جنایت واقع شده در حال خواب و بی‌هوشی و مانند آنها.</p> <p>۲_ جنایت ارتکابی به وسیله صغیر و مجنون.</p> <p>۳_ جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.</p> <p>تبصره_ در مورد بند اخیر هرگاه مرتکب آگاه و متوجه بوده که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.</p>
<p><u>ماده (۲۹۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۲۹۵_ اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود <u>در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هر دو مضمول ماده (۳۰۳) این قانون نباشند،</u> جنایت عمدی محسوب می‌شود.</p>	<p>۵۵_ عبارت ماده (۲۹۵) مطلق است لازم است این ماده به عبارت «در صورتی که هر دو محقون الدم باشند» مقید شود.</p>	<p>ماده ۲۹۵_ اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود جنایت عمدی محسوب می‌شود.</p>
<p><u>تبصره زیر به ماده (۳۰۲) الحاق می‌شود:</u></p> <p><u>تبصره_ چنانچه مقتول مسلمان باشد، مسلمان نبودن قاتل مانع قصاص نیست.</u></p>	<p>۵۶_ در ماده (۳۰۲) عبارت «در دین با مرتکب مساوی باشد» اشکال دارد باید اصلاح شود به علاوه در این ماده حصر مهورالدم به موارد مذکور در این ماده، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۰۲_ قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نبوده و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>ماده (۳۰۳) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۳۰۳_ در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب مشمول مجازات قصاص نمی شود:</p> <p><u>۱_ مرتکب جرم حدی مستوجب اعدام</u></p> <p><u>۲_ مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن</u></p> <p><u>۳_ دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۵) این قانون در برابر متجاوز</u></p> <p><u>۴_ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیرموارد اکراه و اضطرار به شرح مقرر در قانون</u></p> <p><u>تبصره ۱_ اقدام در مورد بندهای (۱) و (۲) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود.</u></p> <p><u>تبصره ۲_ در مورد بند (۳) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص، منتهی است. لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می شود.</u></p>	<p>۵۷_ در بند (۳) ماده (۳۰۳) باید عبارت «بشرح مقرر در ماده (۱۵۵) این مصوبه» اضافه شود، همچنین در صورتی که نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود مجازات آن قصاص نیست. بلکه حسب مورد مجازات دیگری «دیه و تعزیر» دارد، همچنین اطلاق بند (۴) این ماده که شامل حالت اکراه و اضطرار نیز می شود، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۳۰۳_ در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد مرتکب مشمول مجازات قصاص نمی شود:</p> <p><u>۱_ کسی که مرتکب جرم حدی موجب اعدام شده است.</u></p> <p><u>۲_ کسی که مستحق قصاص نفس یا عضو است، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن.</u></p> <p><u>۳_ متجاوزی که دفاع در برابر او قانوناً مشروع است.</u></p> <p><u>۴_ زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه به شرح مقرر در قانون.</u></p> <p><u>تبصره_ اقدام در خصوص بندهای (۱) و (۲) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم این قانون محکوم خواهد شد.</u></p>
<p><u>ماده (۳۰۴) حذف شد.</u></p>	<p>۵۸_ در خصوص ماده (۳۰۴) به ماده (۱۱-۳۱۳) لایحه رجوع شود.</p>	<p>ماده ۳۰۴_ هرگاه مرتکب مدعی وجود یکی از جهات ماده (۳۰۳) در مجنی علیه باشد باید ادعای خود را در محکمه اثبات نماید در غیراین صورت به قصاص محکوم می شود.</p>
<p><u>ماده (۳۳۷) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۳۳۷_ نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی شود.</p>	<p>۵۹_ در ماده (۳۳۷) قید نسبی در عبارت «بستگان نسبی» زائد و خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۳۷_ نصاب قسامه در اثبات قتل عمدی، سوگند پنجاه مرد از خویشاوندان و بستگان نسبی مدعی است. با تکرار سوگند قتل ثابت نمی شود.</p>
<p><u>ماده (۳۵۰) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۳۵۰_ ولی دم نمی تواند پیش از فوت مجنی علیه مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی علیه نشود مستحق قصاص است، در غیراین صورت به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود. مگر در موردی که موضوع مشمول ماده (۳۰۳) این قانون شود.</p>	<p>۶۰_ در ماده (۳۵۰) اطلاق صدر ماده نسبت به مواردی که ولی دم معتقد به جواز قتل جانی است، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۶ از کتاب دیات، القول فی اقسام القتل، تحریر الوسیله مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۳۵۰_ ولی دم نمی تواند پیش از فوت مجنی علیه مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی علیه نشود مستحق قصاص است، در غیر این صورت به تعزیر مقرر در کتاب پنجم این قانون محکوم می شود.</p>
<p><u>ماده (۳۵۴) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۳۵۴_ هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می رسد.</p>	<p>۶۱_ ماده (۳۵۴) در خصوص مجنی علیه در این ماده باید مقید به جراحات اعضاء و منافع شود و نباید شامل مواردی گردد که جنایت موجب قتل مجنی علیه</p>	<p>ماده ۳۵۴_ هرگاه مجنی علیه یا ولی دم بمیرد، حق قصاص به ورثه متوفی می رسد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
	می‌شود، از این جهت خلاف موازین شرع شناخته شد.	
<p><u>ماده (۳۵۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۳۵۶ _ در مورد ماده (۳۵۵) این قانون، جنین در صورتی ولی دم محسوب می‌شود که زنده متولد شود.</p>	<p>۶۲_ اطلاق ماده (۳۵۶) نسبت به صدر ماده (۳۵۵)، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۵۶ _ در مورد ماده قبل، جنین حکم صغیر را دارد، مگر آن که زنده متولد نشود.</p>
<p><u>ماده (۳۵۷) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p>ماده ۳۵۷ _ اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی دم که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او، <u>مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.</u></p>	<p>۶۳_ ماده (۳۵۷) از این جهت که افاده الزام به اذن از ناحیه ولی‌امر، به نحو مذکور در این ماده می‌نماید، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۵۷_ اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی دم که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او <u>ولی امر مسلمین است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از ولی امر، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.</u></p>
<p><u>ماده (۳۶۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۳۶۲_ اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را مشروط به پرداخت وجه‌المصلحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.</p>	<p>۶۴_ در ماده (۳۶۲) مقصود از معلق یا مشروط باید روشن شود تا اظهار نظر گردد. (در این خصوص به مسأله (۱) کتاب قصاص فصل القول فی کیفیت الاستیفاء تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۳۶۲_ اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، گذشت و اسقاط حق قصاص را معلق یا مشروط به پرداخت وجه‌المصلحه یا امر دیگری کند، حق قصاص تا حصول شرط، برای او باقی است.</p>
<p><u>ماده (۳۶۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۳۶۳_ اگر پس از مصالحه یا گذشت مشروط، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه‌المصلحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا شرط محقق نشود، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می‌شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد.</p>	<p>۶۵_ در خصوص ماده (۳۶۳) نیز پس از رفع ابهام از ماده (۳۶۲)، اظهار نظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۳۶۳_ اگر پس از مصالحه یا گذشت معلق یا مشروط، مرتکب حاضر یا قادر به پرداخت وجه‌المصلحه یا انجام دادن تعهد خود نباشد یا امر معلق یا مشروط محقق نشود، حق قصاص محفوظ است و پرونده برای بررسی به همان دادگاه ارجاع می‌شود مگر مصالحه شامل فرض انجام ندادن تعهد نیز باشد.</p>
<p><u>تبصره زیر به ماده (۳۶۸) الحاق می‌شود:</u></p> <p><u>تبصره _ دیه موضوع این ماده طبق این قانون و قبل از قصاص به مستحق پرداخت می‌شود.</u></p>	<p>۶۶_ باید چگونگی پرداخت دیه در ماده (۳۶۸) مشخص شود.</p>	<p>ماده ۳۶۸_ در ماده قبل، اگر اولیاء هر دو مجنی‌علیه، خواهان قصاص باشند و دو مجنی‌علیه از نظر دیه، یکسان نباشند و دیه مرتکبان بیش از دیه مجنی‌علیه باشد، مانند این که هر دو قاتل، مرد باشند و یکی از دو مقتول، زن باشد، خواهان قصاص از سوی زن باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت، به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن، فاضل دیه مذکور میان مرتکبان، به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.</p>
<p><u>به نظر کمیسیون در ماده (۳۷۴) ابهامی دیده نشد.</u></p>	<p>۶۷_ در ماده (۳۷۴) و تبصره آن، مقصود از سهم جنایت هر یک از شرکاء باید روشن شود تا اظهار نظر گردد. (در این خصوص به مسأله (۴۵) القول فی الواجب از کتاب قصاص تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۳۷۴_ در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید فوراً سهم خود از دیه را به قصاص شونده بپردازند و یا این که همه شریکان یا بیش از یکی از آنان را قصاص کنند، مشروط بر این که دیه مازاد بر جنایت پدیدآمده را پیش از قصاص، به قصاص شونده بپردازد. اگر قصاص شونده همه شریکان نباشند، هر یک از شریکان که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را بپردازد.</p> <p>تبصره_ اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شریکان باشد و از حق خود نسبت</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
		به برخی دیگر مجانی گذشت کرده یا با آنان مصالحه نموده باشد، در صورتی که دیه قصاص شوندگان، بیش از سهم جنایتشان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص شوندگان بپردازد.
<p>ماده (۳۸۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۳۸۰_ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و بر اکراه کننده <u>دیه ثابت است.</u></p>	<p>۶۸_ اطلاق ماده (۳۸۰) در مواردی که مکروه علم به وقوع قتل دارد که این رفتار موجب جنایت می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۳۸ القول فی الموجب تحریر الوسیله توجه شود).</p>	<p>ماده ۳۸۰_ هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می‌شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به این که این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه‌عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.</p>
<p>تبصره ماده (۳۸۳) حذف شد.</p>	<p>۶۹_ تبصره ماده (۳۸۳) چون در لایحه دولت نبوده و به افزایش هزینه عمومی می‌انجامد و طریق تأمین آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد. به علاوه خلاف موازین شرع نیز می‌باشد. (به ذیل مساله یک القول فی الشرایط المعتمده فی القصاص تحریر الوسیله مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۳۸۳_ هرگاه زن مسلمانی عمدتاً کشته شود، حق قصاص ثابت است؛ لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود. در قصاص مرد غیر مسلمان به سبب قتل زن غیر مسلمان، پرداخت مابه‌التفاوت دیه آنها لازم است.</p> <p>تبصره_ در صورتی که ولی دم، متقاضی قصاص باشد، در صورت عجز از پرداخت، فاضل دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد.</p>
<p>ماده (۳۸۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۳۸۵_ اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیاء همه مقتولان، خواهان قصاص باشند، قاتل بدون این که دیه‌ای بپردازد، قصاص می‌شود. اگر اولیاء برخی از مقتولان، خواهان قصاص باشند و اولیاء مقتول یا مقتولان دیگر، خواهان دیه باشند، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاصشان، دیه آنان از اموال قاتل پرداخت می‌شود و بدون موافقت قاتل حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند.</p>	<p>۷۰_ ذیل ماده (۳۸۵) از این جهت که دیه مقتولان از اموال قاتل پرداخت شود و همچنین در صورت عدم دسترسی به اموال قاتل از بیت‌المال پرداخت گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۸۵_ اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند و اولیاء همه مقتولان، خواهان قصاص باشند، قاتل بدون این که دیه‌ای بپردازد، قصاص می‌شود. اگر اولیاء برخی از مقتولان، خواهان قصاص باشند و اولیاء مقتول یا مقتولان دیگر، خواهان دیه باشند، در صورت موافقت قاتل به پرداخت دیه به آنان در مقابل گذشت از حق قصاصشان، دیه آنان از اموال قاتل پرداخت می‌شود و بدون موافقت قاتل حق اخذ دیه از او و یا اموالش را ندارند؛ لکن اگر اولیائی که خواهان قصاص هستند، بدون اطلاع اولیاء مقتولان دیگر و یا پیش از قطعی شدن حق قصاص آنان اقدام به قصاص قاتل کنند، دیه مقتولان دیگر از اموال قاتل و در صورت عدم دسترسی به آن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود.</p>
<p>ماده (۳۹۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۳۹۱_ اگر جنایت بر عضو، دارای مراتب باشد، مجنی‌علیه می‌تواند <u>با رضایت مرتکب قسمتی از جنایت را قصاص کند؛</u> مانند آن که در جراحت موضعه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید.</p>	<p>۷۱_ اطلاق ماده (۳۹۱) در صورت عدم تراضی یا مجنی‌علیه، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۳۹۱_ اگر جنایت بر عضو، دارای مراتب باشد، مجنی‌علیه می‌تواند قسمتی از جنایت را قصاص کند؛ مانند آن که در جراحت موضعه به متلاحمه و در قطع دست از آرنج به قطع دست از مچ بسنده و از قصاص قسمت دیگر گذشت یا مصالحه نماید.</p>
<p>ماده (۳۹۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۳۹۵_ رعایت تساوی مقدار طول و عرض، در قصاص جراحات لازم است؛</p>	<p>۷۲_ در قسمت اخیر ماده (۳۹۵) عبارت «مانند»</p>	<p>ماده ۳۹۵_ رعایت تساوی مقدار طول و عرض، در قصاص جراحات لازم است؛ لکن اگر طول عضو مورد قصاص، کمتر از طول عضو آسیب‌دیده در مجنی‌علیه باشد،</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
لکن اگر طول عضو مورد قصاص، کمتر از طول عضو آسیب دیده در مجنی علیه باشد، قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت، دیه گرفته می شود؛ لکن میزان در عمق جنایت، صدق عنوان جنایت وارد، مانند سحاق یا موضعه است و در صورت امکان، رعایت تساوی در مقدار عمق نیز لازم است» حذف شود. (مانند مساله ۸ تحریر الوسیله اصلاح شود).	سحاق یا موضعه است و در صورت امکان، رعایت تساوی در مقدار عمق نیز لازم است» حذف شود. (مانند مساله ۸ تحریر الوسیله اصلاح شود).	قصاص نباید به عضو دیگر سرایت کند و نسبت به مازاد جنایت، دیه گرفته می شود؛ لکن میزان در عمق جنایت، صدق عنوان جنایت وارد، مانند سحاق یا موضعه است و در صورت امکان، رعایت تساوی در مقدار عمق نیز لازم است.
ماده (۳۹۶) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۳۹۶_ اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب، ناسالم یا ناقص باشد، مجنی علیه می تواند قصاص کند یا بدون رضایت مرتکب، دیه بگیرد.	۷۳_ ماده (۳۹۶) خلاف موازین شرع است، و تبدیل به دیه باید به رضایت باشد. (به مساله ۴ قصاص مادون النفس تحریر الوسیله مراجعه شود).	ماده ۳۹۶_ اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب، ناسالم یا ناقص باشد، مجنی علیه می تواند قصاص کند یا بدون رضایت مرتکب، دیه بگیرد. تبصره_ عضو ناسالم، عضوی است که منفعت اصلی آن از بین رفته باشد؛ مانند عضو فلج. در غیر این صورت، سالم محسوب می شود، هر چند دارای ضعف یا بیماری باشد.
ماده (۴۰۰) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۴۰۰_ اگر عضو مورد جنایت، زائد باشد و مرتکب، عضو زائد مشابه نداشته باشد، به پرداخت ارش محکوم می شود.	۷۴_ در ماده (۴۰۰) پرداخت دیه، خلاف موازین شرع است، باید خسارتها را حاکم معین کند. (به مساله ۴ ذیل الثامن من المقصد الثانی فی الجنایته تحریر الوسیله توجه شود).	ماده ۴۰۰_ اگر عضو مورد جنایت، زائد باشد و مرتکب، عضو زائد مشابه نداشته باشد، به پرداخت دیه محکوم می شود.
ماده (۴۰۱) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۴۰۱_ اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مجنی علیه می تواند به قصاص کمتر، اکتفاء کند و مابه التفاوت را ارش مطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیه جنایت را بگیرد.	۷۵_ ماده (۴۰۱) خلاف موازین شرع است، چون مجنی علیه مخیر است که قصاص کند به کمتر و مابه التفاوت «ارش» را بگیرد. یا با رضایت جانی دیه بگیرد، از این جهت خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۸ قصاص مادون النفس تحریر الوسیله مراجعه شود).	ماده ۴۰۱_ اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مجنی علیه می تواند به قصاص کمتر، اکتفاء کند یا دیه جنایت را مطالبه کند. در این مورد رضایت مرتکب به پرداخت دیه شرط نیست.
ماده (۴۱۴) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۴۱۴_ اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» و ارش جراح و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می شود. اگر مجنی علیه کودک باشد، صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می افتد. اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می شود.	۷۶_ در ماده (۴۱۴) پرداخت خسارت درمان با توجه به محکومیت به ارش جراح، خلاف موازین شرع شناخته شد، و عبارت «با درخواست ولی» زائد است. علاوه بر این عبارت «در صورت ارش دندان برای هر دندان یک شتر دیه داده شود.» باید به این ماده اضافه شود. (به مساله ۳۷ قصاص مادون النفس تحریر الوسیله مراجعه شود).	ماده ۴۱۴_ اگر دندان کسی توسط دیگری کنده شود، چنانچه تا زمان قصاص، دندان سالمی به جای آن برآید، مرتکب قصاص نمی شود و به تعزیر مقرر در کتاب پنجم این قانون و پرداخت خسارت درمان و ارش جراح و مدتی که مجنی علیه بدون دندان بوده است محکوم می شود. اگر دندان جدید معیوب باشد، مرتکب افزون بر محکومیت های مذکور، به پرداخت ارش عیب نیز محکوم می شود. اگر مجنی علیه کودک باشد، با درخواست ولی او صدور حکم به مدت متعارف برای رویدن دندان به تأخیر می افتد. اگر مجنی علیه در این مدت فوت کند، مرتکب افزون بر تعزیر مذکور، به پرداخت دیه محکوم می شود.
ماده (۴۱۶) به شرح زیر اصلاح می گردد: ماده ۴۱۶_ اگر دندان مجنی علیه پس از اجرای قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی برعهده مجنی علیه نیست و دیه نیز بازگردانده نمی شود مگر این که مجنی علیه، دیه را به تصالح گرفته باشد که در این صورت دیه مسترد و مجنی علیه، مستحق ارش است.	۷۷_ ذیل ماده (۴۱۶) در خصوص بازگردانده نشدن دیه در صورت گرفتن دیه با تصالح خلاف موازین شرع است، و در این صورت مجنی علیه مستحق ارش حکومت است. (به مساله ۳۶ قصاص مادون النفس تحریر الوسیله مراجعه گردد).	ماده ۴۱۶_ اگر دندان مجنی علیه پس از اجراء قصاص یا گرفتن دیه برآید، چیزی برعهده مجنی علیه نیست و دیه نیز بازگردانده نمی شود.
ماده (۴۲۰) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۴۲۰_ اجرای قصاص و مباشرت در آن، حق ولی دم و مجنی علیه است	۷۸_ در ماده (۴۲۰) عبارت «از طریق واحد اجراء احکام کیفری» نباید حسب مورد مانع مباشرت ولی دم یا	ماده ۴۲۰_ اجراء قصاص، حق ولی دم و مجنی علیه است که در صورت مرگ آنان، این حق به ورثه ایشان منتقل می شود و باید پس از استیذان از ولی امر، از طریق

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>که در صورت مرگ آنان، این حق به ورثه ایشان منتقل می‌شود و باید پس از استیذان از <u>مقام رهبری</u>، از طریق واحد اجرای احکام کیفری مربوط انجام گیرد.</p>	<p>مجنی علیه شود، لذا این ماده باید اصلاح گردد.</p>	<p>واحد اجراء احکام کیفری مربوط انجام گیرد.</p>
<p><u>ماده (۴۲۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u> ماده ۴۲۲_ هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن آنان او را قصاص کند، مستحق قصاص است.</p>	<p>۷۹_ در ماده (۴۲۲) عبارت «یا رضایت قبلی» حذف گردد.</p>	<p>ماده ۴۲۲_ هیچ کس غیر از مجنی علیه یا ولی او حق قصاص مرتکب را ندارد و اگر کسی بدون اذن یا رضایت قبلی آنان او را قصاص کند، مستحق قصاص خواهد بود.</p>
<p><u>ماده (۴۲۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u> ماده ۴۲۵_ در هر حق قصاصی، اگر بعضی از صاحبان آن، غائب باشند و مدت غیبت آنان کوتاه باشد صدور حکم تا آمدن غائب به تعویق می‌افتد و اگر غیبت طولانی باشد و یا امیدی به بازگشتن آنان نباشد مقام رهبری به عنوان ولی غائب، به جای آنان تصمیم می‌گیرد و چنانچه زمان بازگشت معلوم نباشد مقام رهبری برای آنها پس از گذشت زمان کوتاه و قبل از طولانی شدن زمان غیبت اتخاذ تصمیم می‌نماید، کسانی که حاضرند، می‌توانند پس از تأمین سهم غائبان در دادگاه، قصاص کنند و اگر حاضران، گذشت کنند یا با او مصالحه نمایند، حق قصاص غائبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن، خواهان قصاص باشند، باید نخست سهم دیه کسانی را که گذشت کرده یا با مرتکب مصالحه کرده‌اند، به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند.</p>	<p>۸۰_ صدر ماده (۴۲۵) تا عبارت «اگر حاضران» باید طبق فتوای حضرت امام (علیه‌الرحمه) در مساله ۱۵ القول فی کیفیت الاستیفاء _ القول فی کیفیت القصاص «و الأئشبه أن یقال: الخ» _ اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۴۲۵_ در هر حق قصاصی، اگر بعضی از صاحبان آن، غایب باشند و برگشت آنان معلوم نبوده یا طولانی شود، کسانی که حاضرند، می‌توانند پس از تأمین سهم غایبان در دادگاه، قصاص کنند و اگر حاضران، گذشت کرده یا با او مصالحه کرده باشند، حق قصاص غایبان محفوظ است و اگر آنان پس از حاضر شدن، خواهان قصاص باشند، باید نخست سهم دیه کسانی را که گذشت کرده یا با مرتکب مصالحه کرده‌اند، به مرتکب بپردازند و سپس قصاص کنند.</p>
	(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)	
<p><u>ماده (۴۳۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u> ماده ۴۳۹_ اگر پس از اجرای قصاص نفس، قاتل زنده بماند، حق قصاص برای ولی دم محفوظ است؛ لکن اگر وی را به گونه‌ای که جایز نیست، قصاص کرده باشد، در صورتی که قاتل آسیب ببیند، مشروط به شرایط قصاص عضو، از جمله، عدم خوف تلف ولی دم، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است ولی قبل از اجرای قصاص نفس قاتل باید حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند، قاتل حق قصاص او را ندارد. اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت، مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولی امر، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، ولی دم به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود</p>	<p>۱_ پرداخت دیه مذکور در قسمت اخیر ماده (۴۳۹)، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۴۳۹_ اگر پس از اجراء قصاص نفس، قاتل زنده بماند، حق قصاص برای ولی دم محفوظ است؛ لکن اگر وی را به گونه‌ای که جایز نبوده، قصاص کرده باشد، در صورتی که قاتل آسیب دیده باشد مشروط به شرایط قصاص عضو، از جمله، عدم خوف تلف ولی دم، حق قصاص عضو او را دارد و ولی دم نمی‌تواند وی را دوباره قصاص نفس کند، مگر این که نخست قاتل حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند؛ لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند، قاتل حق قصاص او را ندارد اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت، مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولی دم از این امر، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر نسبت به گذشت، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت، ولی دم به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
عدم اقدام او در این مدت، ولی دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می شود و با مطالبه او قصاص نفس اجراء می گردد.		و با مطالبه او قصاص نفس اجراء می شود.
<p>ماده (۴۴۱) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۴۴۱_ قصاص عضو را می توان فوراً اجراء کرد <u>لکن</u> اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجراء شود و پس از آن، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده، عمدی محسوب شود، مرتکب حسب مورد، به قصاص نفس یا عضو محکوم می شود؛ لکن پیش از اجرای قصاص نفس ولی دم باید، دیه جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده است، به او بپردازد و اگر سرایت پدید آمده، غیرعمدی محسوب شود، مرتکب به دیه جنایتی که به وسیله سرایت، پدید آمده است، محکوم می شود و دیه مقداری که قصاص شده است کسر نمی شود.</p>	<p>۲_ در ماده (۴۴۱) عدم جواز قصاص عضو قبل از سرایت، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مسأله ۱۰ القسم الثانی فی قصاص مادون النفس تحریرالوسیله مراجعه شود). و همچنین عبارت «مانند آنکه جنایتی که از سرایت پدید می آید، غیر عمدی باشد.» باید اصلاح یا حذف شود.</p>	<p>ماده ۴۴۱_ قصاص عضو را می توان فوراً اجراء کرد، مگر این که علم به سرایت و بیشتر شدن جنایت وارد شده بر مجنی علیه در همان عضو یا سرایت جنایت به نفس او وجود داشته باشد. اگر علم به سرایت وجود داشته باشد، لکن سرایت موجب تغییر حق قصاص عضو نباشد، می توان قصاص عضو را فوراً اجراء کرد؛ مانند آن که جنایتی که از سرایت پدید می آید، غیرعمدی باشد. اگر علم به سرایت وجود نداشته باشد و قصاص اجراء شود و پس از آن، جنایت سرایت کند و سرایت پدید آمده، عمدی محسوب شود، مرتکب حسب مورد، به قصاص نفس یا عضو محکوم می شود؛ لکن پیش از اجراء قصاص نفس باید ولی دم، دیه جنایتی را که به عنوان قصاص عضو بر مرتکب وارد شده، به او بپردازد و اگر سرایت پدید آمده، غیرعمدی محسوب شود، مرتکب به دیه جنایتی که به وسیله سرایت، پدید آمده است، محکوم می شود و دیه مقداری که قصاص شده است کسر نمی شود.</p>
<p>ماده (۴۴۸) حذف می شود.</p>	<p>۳_ ماده (۴۴۸) خلاف موازین شرع است. (به مسأله ۱۹ القسم الثانی فی قصاص مادون النفس تحریرالوسیله مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۴۴۸_ مرتکب حق پیوند زدن عضو یا قسمتی از عضو، که به سبب قصاص، قطع شده است را ندارد، مگر آن که مجنی علیه عضو قطع شده خود را با پیوند برگردانده باشد یا به پیوند عضو مرتکب رضایت دهد.</p>
<p>ماده (۴۵۶) حذف می گردد.</p>	<p>۴_ در ماده (۴۵۶) پرداخت خسارت مازاد بر دیه بوسیله جانی، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۴۵۶_ هرگاه هزینه های متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد علاوه بر دیه خسارت مازاد نیز باید از باب قاعده لاضرر با اخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین و بدون رعایت مواعد مقرر برای پرداخت دیه توسط مرتکب پرداخت گردد. در این مورد تفاوتی میان جنایت خطای محض، شبه عمدی و عمدی موجب دیه نیست.</p>
<p>ماده (۴۶۶) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۴۶۶_ دیه خطاء محض در صورتی که جنایت با اقرار مرتکب ثابت شود برعهده خود مرتکب است.</p> <p>تبصره_ هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نمایند، عاقله مسؤول پرداخت دیه خواهد بود.</p>	<p>۵_ در ماده (۴۶۶) آیا نکول از سوگند مثبت جنایت است یا خیر؟ ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۶۶_ دیه خطای محض در صورتی که جنایت با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا نکول او از قسامه ثابت شود، به عهده خود مرتکب است و در غیر این صورت عاقله باید آن را پرداخت کند.</p> <p>تبصره_ هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نمایند، عاقله مسؤول پرداخت دیه خواهد بود.</p>
<p>ماده (۴۶۷) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۴۶۷_ در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه، اگر مرتکب مدعی خطائی بودن آن گردد و عاقله خطا بودن جنایت را انکار نماید، قول عاقله با سوگند پذیرفته می شود و دیه بر عهده مرتکب است و چنانچه عاقله از اتیان قسم نکول کند با قسم مدعی، عاقله مکلف به پرداخت دیه است.</p>	<p>۶_ در ماده (۴۶۷) عبارت «یا اظهار بی اطلاعی» خلاف موازین شرع است، باید حذف شود. (به مسأله ۷ تحریرالوسیله، الثانی من اللوائح فی العاقله مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۴۶۷_ در موارد ثبوت اصل جنایت با شهادت، علم قاضی یا قسامه، اگر مرتکب مدعی خطائی بودن آن گردد و عاقله خطا بودن جنایت را انکار یا اظهار بی اطلاعی نمایند، قول عاقله با سوگند پذیرفته و دیه بر عهده مرتکب ثابت می شود و چنانچه عاقله از اتیان قسم نکول کند با قسم مدعی، عاقله مکلف به پرداخت دیه است.</p> <p>تبصره_ در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند، از پرداخت دیه معاف</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
تبصره_ در صورتی که برخی از افراد عاقله سوگند یاد نمایند، از پرداخت دیه معاف شده و سهم آنها به وسیله مرتکب پرداخت خواهد شد.		شده و سهم آنها به وسیله مرتکب پرداخت خواهد شد.
<u>ماده (۴۶۹) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۴۶۹_ عاقله تنها مکلف به پرداخت دیه خطاء محض است.	۷_ ماده (۴۶۹) مبنیاً بر ایراد مذکور در ماده (۴۵۶)، باید اصلاح شود.	<u>ماده ۴۶۹_ عاقله تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است و سایر خسارات ناشی از جنایت بر عهده مرتکب است.</u>
<u>ماده (۴۷۴) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۴۷۴_ هرگاه فرد ایرانی از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می کند، مرتکب جنایت خطای محض گردد، شخصاً عهده دار پرداخت دیه <u>است</u> ، لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد، به او مهلت مناسب داده می شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد، <u>معادل دیه توسط دولت</u> پرداخت می شود.	۸_ اطلاق ماده (۴۷۴) در خصوص پرداخت دیه غیرمسلمان از بیت المال در خصوص اشخاصی که جزیه پرداخت نمی کنند، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۴۷۴_ هرگاه فرد ایرانی از اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی که در ایران زندگی می کند، مرتکب جنایت خطای محض گردد، شخصاً عهده دار پرداخت دیه خواهد بود، لکن در صورتی که توان پرداخت دیه را نداشته باشد، به او مهلت مناسب داده می شود و اگر با مهلت مناسب نیز قادر به پرداخت نباشد، <u>دیه از بیت المال</u> پرداخت خواهد شد.
<u>ماده (۴۷۵) حذف می شود.</u>	۹_ ماده (۴۷۵) عموم جنایات تسبیبی نسبت به خطای محض، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به ذیل مساله ۱۰ المبحث الثانی فی الاسباب تحریرالوسیله مراجعه شود).	ماده ۴۷۵_ در جنایات تسبیبی، مسؤول پرداخت دیه خود مرتکب است.
<u>ماده (۴۷۸) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۴۷۸_ <u>دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لیکن اگر فرار کند، دیه از مال او اخذ می گردد و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود و اگر بستگانی نداشته باشد یا تمکن نداشتند، دیه از بیت المال پرداخت می شود.</u>	۱۰_ در ماده (۴۷۸) در صورتی که جانی اقربا داشته باشد، خلاف موازین شرع است، زیرا دیه را باید الاقرب فالاقرب بپردازند. (به مساله ۸ الثانی فی کیفیت التقسیم در مبحث الثانی من اللواحق فی العاقله تحریرالوسیله، مراجعه شود).	ماده ۴۷۸_ در قتل عمدی و شبه عمدی در صورتی که به دلیل فرار، خودکشی و مانند آنها به قاتل دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت المال پرداخت خواهد شد.
<u>ماده (۴۸۱) به شرح زیر اصلاح می شود:</u> ماده ۴۸۱_ در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، چنانچه تعیین مرتکب ممکن نباشد، در صورت حصول لوث، صاحب حق می تواند از متهمین مطالبه قسامه و در صورت عدم لوث مطالبه سوگند نماید، در صورتی که همگی، حسب مورد قسامه اقامه کرده یا سوگند یاد نمایند، دیه به طور مساوی توسط آنان پرداخت خواهد شد. تبصره_ هرگاه منشأ علم اجمالی اقرار متهمان باشد، مجنی علیه یا اولیاء دم در مراجعه به هر یک و اخذ دیه از آنها مخیرند، خواه جنایت عمدی باشد، خواه غیرعمدی و خواه قتل باشد، خواه غیر آن.	۱۱_ در ماده (۴۸۱) با توجه به فتوای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دیه باید از بیت المال داده شود، بنابراین لازم است این ماده اصلاح گردد.	ماده ۴۸۱_ در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین، چنانچه تعیین مرتکب ممکن نباشد، در صورت حصول لوث، <u>دیه از بیت المال</u> پرداخت می شود. تبصره_ هرگاه منشأ علم اجمالی اقرار متهمان باشد، مجنی علیه یا اولیاء دم در مراجعه به هر یک و اخذ دیه از آنها مخیرند، خواه جنایت عمدی باشد، خواه غیرعمدی و خواه قتل باشد، خواه غیر آن.
<u>ماده (۴۸۲) حذف می شود.</u>	۱۲_ در ماده (۴۸۲) در خصوص اتیان سوگند باید مشخص شود که در خصوص لوث است یا در مقامی که اصلاً لوئی درکار نباشد؟ بنابراین این ماده از این حیث ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد. و	<u>ماده ۴۸۲_ هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی، از اتیان سوگند یا اقامه قسامه امتناع کنند دیه به طور مساوی بر عهده امتناع کنندگان ثابت می شود و در صورتی که امتناع کننده یکی باشد به تنهایی عهده دار پرداخت دیه خواهد بود. در حکم فوق تفاوتی میان قتل و غیر آن نیست.</u>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
	همچنین در اطراف علم اجمالی حصول ظنّ محقق نسبت به همه اطراف علم اجمالی امکان ندارد تا حکم لوث (قسامه) بار گردد، لذا ماده مزبور از این جهت نیز خلاف موازین شرع شناخته شد.	
<p><u>ماده (۴۸۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u></p> <p>ماده ۴۸۸_ در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل که با تحقق لوث نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیر موارد لوث چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.</p>	<p>۱۳_ در صدر ماده (۴۸۸) تقیید تحقق لوث نسبت به اشخاص معین، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p><u>ماده ۴۸۸_ در موارد وقوع قتل و عدم شناسایی قاتل، هرگاه لوث علیه شخص یا اشخاص معینی محقق نباشد، یا با تحقق لوث، نوبت به قسامه مدعی علیه برسد و او اقامه قسامه کند، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و همچنین در غیر موارد لوث چنانچه نوبت به سوگند متهم برسد و طبق مقررات بر عدم انجام قتل سوگند بخورد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.</u></p>
<p><u>ماده (۴۸۹) حذف می‌شود.</u></p>	<p>۱۴_ شمول عبارت «در غیر این صورت» در قسمت اخیر ماده (۴۸۹) نسبت به موردی که قصاص عضو انجام شود و مجری تجاوز از مجازات مقرر نکرده باشد دیه ندارد، از این جهت با توجه به فتوای حضرت امام (علیه‌الرحمه) خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۱۳ القول فی کیفیت الاستیفاء تحریرالوسیله، مراجعه شود).</p>	<p><u>ماده ۴۸۹_ هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیر مستوجب سلب حیات در اثر اجراء مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود. در غیر این صورت بیت‌المال دیه را پرداخت خواهد کرد.</u></p> <p><u>تبصره_ چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم علیه باشد ضمان منتفی خواهد بود.</u></p>
<p><u>ماده (۴۹۰) حذف می‌شود.</u></p>	<p>۱۵_ در ماده (۴۹۰) احراز تقصیر توسط دادگاه مذکور در صدر ماده باید اصلاح شود.</p>	<p><u>ماده ۴۹۰_ هرگاه پس از اجراء حکم قصاص، حد، یا تعزیر که موجب قتل، یا صدمه بدنی دیگری شده است پرونده در دادگاه صالح طبق مقررات آئین دادرسی، رسیدگی مجدد شده و عدم صحت آن حکم ثابت شود، دادگاه رسیدگی کننده مجدد، حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر و در صورت احراز تقصیر مجری یا قاضی صادرکننده حکم، پرونده را با ذکر مستندات، جهت رسیدگی به مرجع قضائی مربوط ارسال می‌نماید تا طبق مقررات رسیدگی شود. در صورت ثبوت تقصیر از طرف مجری یا قاضی صادرکننده حکم، مرجع مزبور، حکم به کسر دیه از حقوق و بازگشت آن به بیت‌المال، می‌نماید.</u></p>
<p><u>ماده (۴۹۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u></p> <p>ماده ۴۹۹_ هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است، مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه برائت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و</p>	<p>۱۶_ تعریف ولی در تبصره ماده (۴۹۹) مبهم است و عبارت صدر تبصره (۲) لایحه پیشنهادی رافع این ابهام می‌باشد، بنابراین باید روشن شود تا اظهار نظر گردد.</p> <p>۱۷_ مقصود از خسارت در ماده (۴۹۹) مبهم است و مشخص نیست که مراد آن از ارش و حکومت است و یا غیر آن، پس از رفع ابهام اظهار نظر می‌شود. علاوه بر</p>	<p><u>ماده ۴۹۹_ هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه و خسارت است، مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی بوده و قبل از اقدام به معالجه از مریض برائت گرفته باشد و چنانچه اخذ برائت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نبوده و یا تحصیل برائت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نباشد، تحصیل برائت از ولی مریض به عمل خواهد آمد.</u></p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>مانند آن ممکن نگردد، برائت از ولی مریض تحصیل می‌شود.</p> <p><u>تبصره ۱_ در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند برائت أخذ نکرده باشد.</u></p> <p>تبصره ۲_ ولی بیمار، اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که <u>مقام رهبری</u> است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از <u>مقام رهبری</u> و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به اعطاء برائت به طبیب اقدام می‌نماید.</p>	<p>این از این جهت که ضمان طبیب در صورت عدم قصور و تقصیر در علم و عمل در فرض عدم اخذ برائت ثابت می‌ماند، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>تبصره_ ولی بیمار اعم است از ولی خاص مانند پدر و ولی عام که <u>ولی امر</u> است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضائیه با استیذان از <u>ولی امر</u> و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به اعطاء برائت به طبیب اقدام می‌نماید.</p>
<p>تبصره ۲_ در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی <u>طبق ماده (۴۹۹) عمل می‌شود.</u></p>	<p>۱۸_ ماده (۵۰۰) مبنیاً بر اشکال ماده (۴۹۹) ایراد دارد، در صورت اصلاح ماده مذکور این اشکال مرتفع خواهد شد. تبصره (۲) این ماده چون ضمان پزشکی را منحصر به تقصیر نموده و قصور را در صورت عدم برائت شامل نمی‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۵۰۰_ پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آن که مطابق ماده قبل عمل نماید.</p> <p>تبصره ۱_ در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه بوده و موجب صدمه و تلف می‌باشد و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نخواهد بود بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار خواهد بود.</p> <p>تبصره ۲_ قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی دیه ندارد مگر این که تقصیری ارتکاب یافته باشد که در این صورت طبق ماده قبل عمل می‌شود.</p>
<p>ماده (۵۰۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۵۰۲_ هرگاه شیئی که توسط انسان با وسیله نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد حمل کننده ضامن دیه <u>است.</u></p>	<p>۱۹_ در ماده (۵۰۲) چون مقصود از سایر خسارات روشن نیست، باید اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۵۰۲_ هرگاه شیئی که توسط انسان یا وسیله نقلیه حمل می‌گردد به نحوی از انحاء موجب جنایت گردد، حمل کننده ضامن دیه و سایر خسارات خواهد بود.</p>
<p>ماده (۵۰۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۵۰۳_ هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس <u>بی اختیار</u> فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی <u>مسئول است.</u></p>	<p>۲۰_ ماده (۵۰۳) از این جهت که شامل موارد اختیاری بودن عمل هم می‌شود، خلاف موازین شرع است. (به مساله ۱۱ تحریرالوسیله، القول فی موجبات الضمان مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۵۰۳_ هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی <u>مسئول خواهد بود.</u></p>
<p>ماده (۵۰۸) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۵۰۸_ هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است، در حالی که قادر به کنترل <u>وسیله نباشد و</u> به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون <u>تقصیر</u> برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.</p> <p>تبصره ۱_ در موارد فوق، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد، به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصل شده نباشد، راننده ضامن نخواهد بود.</p>	<p>۲۱_ ماده (۵۰۸) و تبصره آن ابهام دارد، با توجه به فتوای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۵۰۸_ هرگاه راننده‌ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است، در حالی که قادر به کنترل <u>نبوده</u> به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت راننده ضامن است.</p> <p>تبصره ۱_ در موارد فوق، هرگاه عدم رعایت برخی از مقررات رانندگی تأثیری در حادثه نداشته باشد، به گونه‌ای که تقصیر مرتکب علت جنایت حاصل شده نباشد، راننده ضامن نخواهد بود.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>نباشد، راننده ضامن نخواهد بود.</p> <p>تبصره ۲_ حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.</p>		<p>تبصره ۲_ حکم مندرج در این ماده در مورد وسایل و ابزارآلات دیگر نیز جاری است.</p>
<p>ماده (۵۰۹) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۵۰۹_ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع، سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب حادثه، علل قهری همچون زلزله و سیل نباشد راننده ضامن دیه <u>است</u>.</p>	<p>۲۲_ در ماده (۵۰۹) همان ایراد ماده (۴۵۶) در مورد خسارات وجود دارد. و در مورد اینکه آیا شامل مواردی می شود که منشأ حادثه نقص فنی مخفی مستند به عمل دیگری از قبیل کارخانه سازنده و یا تعمیر کار باشد را نیز می شود یا خیر ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر می شود.</p>	<p>ماده ۵۰۹_ هرگاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو و یا برخورد آن با موانع سرنشینان خودرو مصدوم یا تلف شوند در صورتی که سبب علل قهری همچون زلزله و سیل نباشد راننده ضامن دیه و سایر خسارات خواهد بود.</p>
<p>ماده (۵۱۱) به شرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۵۱۱_ هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه <u>است</u> مگر این که فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید</p>	<p>۲۳_ عبارت «سایر خسارات» در ماده (۵۱۱) همان ایراد ماده (۴۵۶) را دارد.</p>	<p>ماده ۵۱۱_ هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه و سایر خسارات خواهد بود مگر این که فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید.</p>
<p>ماده (۵۱۲) و تبصره (۲) به شرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۵۱۲_ هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۱۱) را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر این که شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و به <u>استناد</u> آن، جنایتی به وی وارد گردد.</p> <p>تبصره ۲_ هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده (۵۱۱) گردد و شخص ثالثی که بدون اذن او وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه <u>است</u>، مگر این که بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست. مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده <u>بگذارد</u> یا درب محل را قفل کند لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شود.</p>	<p>۲۴_ ماده (۵۱۲) روشن نیست که آیا موارد عدم استناد به داعی را می گیرد یا خیر؟ ابهام دارد، پس از رفع ابهام اظهار نظر می شود.</p> <p>۲۵_ تبصره (۲) ماده (۵۱۲) عبارت «سایر خسارات»، همان ایراد ماده (۴۵۶) را دارد.</p>	<p>ماده ۵۱۲_ هرگاه شخصی یکی از کارهای مذکور در ماده قبل را در ملک خویش یا مکانی که در تصرف و اختیار اوست، انجام دهد و سبب آسیب دیگری گردد، ضامن نیست مگر این که شخصی را که آگاه به آن نیست به آنجا بخواند و در اثر آن، جنایتی به وی وارد گردد.</p> <p>تبصره ۱_ هرگاه شخص آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از مالک گرفته، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نخواهد بود مگر این که صدمه یا تلف به علت اغراء، سهل انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد.</p> <p>تبصره ۲_ هرگاه کسی در ملک دیگری و بدون اذن او، مرتکب یکی از کارهای مذکور در ماده قبل گردد و شخص ثالثی که بدون اذن او وارد آن ملک شده است، آسیب ببیند، مرتکب عهده دار دیه و سایر خسارات خواهد بود، مگر این که بروز حادثه و صدمه مستند به خود مصدوم باشد که در این صورت مرتکب ضامن نیست. مانند این که مرتکب علامتی هشداردهنده گذارده یا درب محل را قفل کرده باشد لکن مصدوم بدون توجه به علائم یا با شکستن درب وارد شده باشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>ماده (۵۱۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۱۴_ هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، به‌طور رایگان انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن <u>نیست</u>.</p>	<p>۲۶_ ماده (۵۱۴) تقیید به رایگان بودن در ماده (۵۱۴)، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۵۱۴_ هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، به‌طور رایگان انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن <u>نخواهد بود</u>.</p>
<p>ماده (۵۱۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۱۸_ هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به‌وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب <u>مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد که</u> موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه <u>است</u> و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابرین در جای مناسبتری قرار دهد ضامن <u>نیست</u>. تبصره ۱_ هرگاه مانع مزبور توسط شخصی به وجود آمده باشد تغییردهنده وضعیت به حالت مناسبتر نیز ضامن <u>نیست</u>. تبصره ۲_ افراد یا دستگاههایی که مسؤولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت <u>تقصیر یا قصور قابل استناد</u> در انجام وظیفه، ضامن <u>می‌باشند</u>.</p>	<p>۲۷_ عبارت ماده (۵۱۸) باید به این صورت اصلاح شود «ولکن کسی آن را جای نامناسبی مانند جای اول یا در جای بدتری قرار دهد.» (به مساله ۳ المبحث الثانی فی‌الاسباب تحریرالوسیله، مراجعه شود).</p> <p>۲۸_ در تبصره (۲) ماده (۵۱۸) در مورد قصوری که موجب استناد نباشد، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۵۱۸_ هرگاه در اثر علل قهری مانند سیل و زلزله مانعی به‌وجود آید و موجب آسیب گردد، هیچ‌کس ضامن نیست، گرچه شخص یا اشخاصی تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشند و اگر سیل یا مانند آن، چیزی را به همراه آورد و لکن کسی آن را جایی نامناسب <u>قرار دهد که</u> موجب آسیب شود، عهده‌دار دیه <u>خواهد بود</u> و اگر آن را از جای نامناسب بردارد و در جهت مصلحت عابرین در جای مناسبتری قرار دهد ضامن <u>نخواهد بود</u>. تبصره ۱_ هرگاه مانع مزبور توسط شخص ناشناسی به‌وجود آمده باشد <u>نیز</u> تغییردهنده وضعیت به حالت مناسبتر ضامن <u>نخواهد بود</u>. تبصره ۲_ افراد یا دستگاههایی که مسؤولیت اصلاح یا رفع آثار این‌گونه حوادث را برعهده دارند، در صورت <u>قصور یا تقصیر</u> در انجام وظیفه ضامن <u>خواهند بود</u>.</p>
<p>ماده (۵۲۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۲۱_ اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به‌نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی <u>که در استحکام بنا لازم است</u> در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن <u>نیست</u>. تبصره - اگر عمل غیرمجاز به‌گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آن که <u>مستند به مهندسین ذی‌ربط</u> ساختمان <u>باشد</u> ضامن از مالک منتفی و <u>کسی که عمل مذکور مستند به اوست</u> ضامن است.</p>	<p>۲۹_ اطلاق عبارات «به نحو مجاز» و «ضوابط فنی» در ماده (۵۲۱) چون شامل مواردی می‌شود که مؤثر در استحکام بنا نیست، خلاف موازین شرع است. (به مساله ۸ تحریرالوسیله، المبحث الثانی فی‌الاسباب مراجعه شود).</p> <p>۳۰_ اطلاق ثبوت ضمان بر ناظر و مانند آن در تبصره ماده (۵۲۱) در صورتی که عمل عرفاً مستند به آنان نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد و صرف به‌عهده گرفتن دیگری نافی ضمان مالک نیست.</p>	<p>ماده ۵۲۱_ اگر مالک یا کسی که عهده‌دار احداث ملکی است بنایی را به‌نحو مجاز بسازد یا بالکن و مانند آن را با رعایت نکات ایمنی و ضوابط فنی در محل مجاز احداث کند و اتفاقاً موجب آسیب یا خسارت گردد، ضامن <u>نخواهد بود</u>. تبصره_ اگر عمل غیرمجاز به‌گونه‌ای باشد که نتوان آن را به مالک مستند نمود مانند آن که مهندسین <u>ناظر</u> ساختمان آن را برعهده گرفته باشند ضامن از مالک منتفی و <u>ناظر</u> ضامن است.</p>
<p>ماده (۵۲۲) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۲۲_ هرگاه شخصی بنا یا دیواری را برپایه محکم و با رعایت <u>مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است</u> احداث نماید، لکن به‌علت حوادث</p>	<p>۳۱_ اطلاق مقررات در ماده (۵۲۲) چون شامل مقررات غیر مؤثر در ایمنی و استحکام نیز می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۵۲۲_ هرگاه شخصی بنا یا دیواری را برپایه محکم و با رعایت مقررات و بدون <u>انحراف</u> احداث نماید، لکن به‌علت حوادث پیش‌بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط <u>کرده</u> و موجب آسیب گردد، ضامن <u>نخواهد بود</u>. همچنین است اگر دیوار یا بنا</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
پیش‌بینی نشده، مانند زلزله یا سیل، سقوط <u>کند</u> و موجب آسیب گردد، ضامن <u>نیست</u> و <u>چنانچه</u> دیوار یا بنا را به سمت ملک خود احداث <u>نماید</u> که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود، سقوط <u>می‌کند</u> ، لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط <u>نماید</u> و موجب آسیب گردد، <u>ضامن نیست</u> .		را به سمت ملک خود احداث <u>نموده</u> که اگر سقوط کند طبعاً در ملک خود سقوط خواهد کرد، لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کرده و موجب آسیب گردد.
ماده (۵۲۸) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۲۸_ هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر <u>محل‌های</u> غیرمجاز متوقف نماید <u>در مورد</u> تمام خسارتهایی که آن حیوان وارد می‌کند و <u>مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است</u> و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده ضامن خواهد بود.	۳۲_ در ماده (۵۲۸) اطلاق عبارت «محل غیرمجاز» در مواردی که مدخلیتی در استناد مورد به کسی که سوار حیوان است ندارد، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۵۲۸_ هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی و یا محل غیرمجاز، متوقف نماید ضامن تمام خسارت‌هایی است که آن حیوان وارد می‌کند و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده ضامن خواهد بود.
ماده (۵۳۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۳۱_ هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی باشد در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شود یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیاء دم او بپردازند.	۳۳_ در ماده (۵۳۱) قید عبارت «چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد» مشخص نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۵۳۱_ هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آنها در برخورد، مساوی بوده و یا میزان تأثیر مشخص نباشد، در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطای محض نصف دیه هر کدام به‌وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آنها کشته شده یا آسیب ببیند، حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی‌علیه یا اولیاء دم او بپردازند.
ماده (۵۳۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۳۲_ هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌شود و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به‌گونه‌ای که برخورد فقط به او مستند باشد، فقط او ضامن است. <u>تبصره_ حذف شد.</u>	۳۴_ در ماده (۵۳۲) قید عبارت «مساوی یا نامعلوم بودن میزان تأثیر»، خلاف موازین شرع شناخته شد. ۳۵_ تبصره ماده (۵۳۲)، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۵۳۲_ هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده و مساوی یا نامعلوم بودن میزان تأثیر، هریک مسؤول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه خواهد بود و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسؤول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه خواهد بود و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به‌گونه‌ای که برخورد فقط به او مستند باشد، فقط او ضامن خواهد بود. تبصره_ چنانچه میزان تأثیر طرفین برخورد متفاوت باشد، با تشخیص کارشناس، هریک به‌میزان تأثیر ضامن خواهند بود.
ماده (۵۳۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۳۷_ هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن <u>می‌باشند</u> .	۳۶_ ذیل ماده (۵۳۷) قید عبارت «مگر تأثیر رفتار...»، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۵۳۷_ هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوی ضامن خواهند بود مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول خواهند بود.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>ماده (۵۴۰) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۵۴۰_ هرگاه در مورد ماده (۵۳۹) عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد مانند آن که شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی مجاز بوده قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نبوده، شخصی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل <u>نفر اول</u> و با توجه به این که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول <u>موجب</u> صدمه زدن به دیگران <u>می شود</u> انجام گرفته باشد، <u>نفر دوم</u> ضامن است.</p>	<p>۳۷_ در ماده (۵۴۰) عبارت «و همچنین اگر عمل یکی بر خلاف عمل دیگری، به قصد تحقق آن جنایت انجام گرفته باشد، قاصد ضامن است»، <u>خلاف موازین شرع شناخته شد.</u></p>	<p>ماده ۵۴۰_ هرگاه در مورد ماده قبل عمل یکی از دو نفر غیرمجاز بوده و عمل دیگری مجاز باشد مانند آن که شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز بوده قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نبوده، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است و همچنین اگر عمل یکی برخلاف عمل دیگری، به قصد تحقق آن جنایت انجام گرفته باشد، قاصد ضامن است و نیز اگر عمل یکی پس از عمل <u>اولی</u> و با توجه به این که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول <u>در معرض</u> صدمه زدن به دیگران <u>خواهد بود</u> انجام گرفته باشد، <u>دومی</u> ضامن است.</p>
<p><u>ماده (۵۵۰) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۵۵۰_ چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند این که با شکستن سر، عقل زایل شود، <u>هرگاه</u> آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل <u>می کند</u> و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه ای که جراحت را ایجاد کرده <u>است</u>، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه ای که لازم و ملزوم <u>یکدیگرند</u>، <u>نباشد</u> و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زایل <u>گردد</u> یا نقصان <u>یابد</u>، ضربه یا جراحت و منفعت، <u>هر کدام</u> دیه جداگانه <u>دارد</u>.</p>	<p>۳۸_ در صدر ماده (۵۵۰)، تداخل دیه در صورتی که لازم ملزوم باشند، <u>خلاف موازین شرع شناخته شد.</u> (به مساله ۳ المقصدالثانی فی الجنایه علی المنافع، تحریر الوسیله مراجعه شود.)</p>	<p>ماده ۵۵۰_ چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند این که با شکستن سر عقل زایل شود، چنانچه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت و لازم و ملزوم یکدیگر باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل <u>کرده</u> و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه ای که جراحت را ایجاد کرده، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارد شده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه ای که لازم و ملزوم یکدیگر باشند، <u>نبوده</u> و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت منفعت نیز زایل <u>گشته</u> یا نقصان یافته باشد، برای هر یک از ضربه یا جراحت و منفعت، دیه جداگانه <u>خواهد بود</u>.</p>
<p><u>ماده (۵۵۳) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۵۵۳_ موارد دیه کامل <u>همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن</u> در ابتداء هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می شود.</p>	<p>۳۹_ ماده (۵۵۳)، <u>خلاف موازین شرع است</u> (با توجه به فتاوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و نیز مغایر اصل ۳۶ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۵۵۳_ موارد دیه کامل در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضائیه به تفصیل و بر اساس <u>مقررات شرعی تعیین و اعلام خواهد شد.</u></p>
<p><u>تبصره ماده (۵۵۵) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>تبصره_ در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، <u>معادل تفاوت</u> دیه تا سقف دیه مرد از <u>صندوق جبران خسارت های بدنی پرداخت می شود.</u></p>	<p>۴۰_ در تبصره ماده (۵۵۵) پرداخت مازاد بر دیه، <u>خلاف موازین شرع است</u>، علاوه بر این، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۵۵۵_ دیه خنثای ملحق به مرد دیه مرد و دیه خنثای ملحق به زن دیه زن و دیه خنثای مشکل نصف دیه مرد به علاوه نصف دیه زن است. تبصره_ در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، <u>باقی دیه تا سقف دیه مرد از بیت المال جبران خسارت خواهد شد.</u></p>
<p><u>ماده (۵۵۸) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۵۵۸_ بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه اقلیتهای دینی</p>	<p>۴۱_ ماده (۵۵۸) به این نحو، <u>خلاف موازین شرع شناخته شد.</u></p>	<p>ماده ۵۵۸_ دیه نفس و کمتر از نفس اقلیتهای دینی <u>شناخته شده در قانون</u></p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد.		اساسی، به مقدار دیه مسلمان است.
تبصره ماده (۵۵۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: تبصره - معیار شروع و پایان ماههای حرام، <u>مغرب شرعی</u> است. مانند ماه رجب که از غروب آفتاب آخرین روز ماه جمادی‌الثانی، شروع و با غروب آفتاب آخرین روز ماه به پایان می‌رسد.	۴۲_ ماده (۵۵۹) عبارت غروب آفتاب باید به مغرب شرعی اصلاح شود.	ماده ۵۵۹_ هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه هر دو در ماههای حرام (رجب، ذی‌القعده، ذی‌الحجه و محرم) یا در محدوده حرم مکه، واقع شده باشد، علاوه بر دیه نفس یک سوم دیه نیز افزوده خواهد شد. خواه جنایت عمدی باشد خواه غیرعمدی. سایر مکانها و زمانهای مقدس و متبرک مشمول حکم تغلیظ دیه نمی‌باشند. تبصره_ معیار شروع و پایان ماههای حرام، <u>غروب آفتاب</u> است. مانند ماه رجب که از غروب آفتاب آخرین روز ماه جمادی‌الثانی، شروع و با غروب آفتاب آخرین روز ماه به پایان می‌رسد.
ماده (۵۶۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۶۴_ دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا <u>کمتر از</u> ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه از ثلث بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.	۴۳_ در قسمت اخیر ماده (۵۶۴) حکم به ثلث و مازاد آن، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مساله ۲۷ مقادیرالدیات، تحریرالوسیله مراجعه شود).	ماده ۵۶۴_ دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا مقدار ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه از ثلث بیشتر شود دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.
ماده (۵۷۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۷۱_ در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی <u>در صورت عدم تصالح</u> ، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.	۴۴_ ماده (۵۷۱) از این نظر که قاضی را ملزم به شلاق تعزیری کرده در عین اینکه با توجه به نظر حضرت امام (علیه‌الرحمه) که قاضی را مخیر به تصالح و یا ... نموده، باید اصلاح شود. (به فتوای حضرت امام (علیه‌الرحمه) در مساله ۴ کتاب الدیات‌القول فی‌الجنایه علی‌المقصدالثالث فی‌الشجاع مساله ۹ مراجعه شود).	ماده ۵۷۱_ در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم خواهد شد.
ماده (۵۷۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۷۶_ هرگاه در اثر جنایتی تکه کوچکی از استخوان از آن جدا شود، <u>دیه شکستگی ثابت است</u> .	۴۵_ پرداخت ارش در ماده (۵۷۶)، خلاف موازین شرع شناخته شد. (با توجه به فتوای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اصلاح شود).	ماده ۵۷۶_ هرگاه در اثر جنایتی تکه کوچکی از استخوان از آن جدا شود، ارش ثابت خواهد بود.
ماده (۵۷۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۷۹_ پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد.	۴۶_ ماده (۵۷۹) اطلاق حکم ماده نسبت به مورد بهبود یافتن، خلاف موازین شرع است.	ماده ۵۷۹_ <u>بهبود یا امکان</u> پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد.
تبصره ماده (۵۸۳) حذف می‌شود.	۴۷_ تبصره ماده (۵۸۳)، خلاف موازین شرع شناخته شد. (باید طبق تحریرالوسیله حضرت امام (علیه‌الرحمه)، در مساله ۱ کتاب الدیات‌القول فی‌الجنایه علی‌الاطراف المقصد الاول فی دیات الاعضاء الاول الشعر مساله ۱، اصلاح شود).	ماده ۵۸۳_ کندن موی سر زن یا مرد یا ریش مرد، چنانچه با رضایت شخص یا در مواردی که اذن شخص معتبر نیست، با رضایت ولی او باشد یا به جهت ضرورت‌های پزشکی لازم باشد، دیه یا ارش ندارد. تبصره_ تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر زن یا مرد یا ریش مرد هرگاه بدون رضایت یا ضرورت باشد، در صورت بروز عیب و نقص، موجب ارش است. در غیر این صورت مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.
	۴۸_ تبصره ماده (۵۸۴) با توجه به نظر حضرت امام	ماده ۵۸۴_ تشخیص رویدن و نرویدن مو با کارشناس مورد وثوق است. چنانچه

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
تبصره ماده (۵۸۴) حذف می‌شود.	(علیه‌الرحمه) در تحریرالوسیله مساله ۳ از مصدر مذکور در تبصره ماده قبل، باید حذف شود.	نظر کارشناس بر نرویدن باشد و دیه پرداخت شود، ولی پس از آن خلاف نظر او ثابت گردد، باید مازاد بر ارش یا یک‌سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد به پرداخت‌کننده دیه، مسترد شود و اگر نظر کارشناس بر رویدن باشد و ارش یا یک‌سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد پرداخت شود ولی خلاف نظر او ثابت گردد، باید مابه‌التفاوت آن، پرداخت شود. تبصره_ مدت زمانی که برای رویش مو در نظر گرفته می‌شود در هر حال نباید بیش از یک سال باشد و اگر بیش از آن تعیین شود، در حکم عدم رویش است.
ماده (۵۸۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۵۸۹_ هرگاه موی سر مرد یا زن یا ریش مرد که از بین رفته است با عیب و نقص برآید مانند آن که رنگ یا حالت طبیعی آن تغییر کند یا کم‌پشت برآید، ارش ثابت است. مقدار ارش مزبور در مورد ریش باید بیشتر از یک‌سوم دیه کامل و در مورد موی سر مرد، بیشتر از ارشی باشد که در صورت رویش بدون عیب تعیین می‌شود. در مورد موی سر زن نیز علاوه بر ارش یا ثلث دیه یا مهرالمثل حسب مورد باید ارش دیگری برای عیب حاصله پرداخت شود.	۴۹_ ماده (۵۸۹) به این صورت اصلاح شود: «علاوه بر ارش یا ثلث دیه یا مهرالمثل حسب مورد باید ارش دیگری برای عیب حاصله پرداخت شود.»	ماده ۵۸۹_ هرگاه موی سر مرد یا زن یا ریش مرد که از بین رفته است با عیب و نقص برآید مانند آن که رنگ یا حالت طبیعی آن تغییر کرده یا کم‌پشت برآید، ارش ثابت است. مقدار ارش مزبور در مورد ریش باید بیشتر از یک‌سوم دیه کامل و در مورد موی سر مرد، بیشتر از ارشی باشد که در صورت رویش بدون عیب تعیین می‌شود. در مورد موی سر زن نیز باید بیشتر از مهرالمثل و کمتر از دیه کامل زن باشد مگر این که مهرالمثل بیشتر از دیه کامل زن باشد که در این صورت تنها به میزان دیه کامل زن پرداخت می‌شود.
تبصره ماده (۵۹۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: تبصره_ هرگاه لکه دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد، در صورتی که تعیین مقدار آن ممکن باشد، به همان نسبت از دیه کسر و در غیر این صورت، ارش پرداخت می‌شود.	۵۰_ در تبصره ماده (۵۹۱) کلمه «متیقن» باید حذف شود علاوه بر این در عبارت ذیل تبصره «در غیر این صورت دیه کامل چشم پرداخت می‌شود» باید عبارت «دیه کامل چشم» به «ارش» تبدیل شود والا خلاف موازین شرع است. (به مساله ۱ از تحریرالوسیله حضرت امام (علیه‌الرحمه)، کتاب دیات ذیل الثانیه القول فی الجنایه المقصد الاول دیات الاعضاء الثانی العینان، مراجعه شود).	ماده ۵۹۱_ در آوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هریک از آنها نصف دیه دارد. تمام چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسانند هر چند میزان بینایی آنها متفاوت بوده یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند. تبصره_ هرگاه لکه دائمی موجود در چشم مانع بینایی قسمتی از چشم گردد، در صورتی که تعیین مقدار متیقن آن ممکن باشد، به همان نسبت از دیه کسر می‌شود و در غیر این صورت، دیه کامل چشم پرداخت می‌شود.
ماده (۵۹۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۵۹۴_ دیه مجموع چهارپلک دو چشم دیه کامل است و دیه پلکهای بالا ثلث دیه کامل و دیه پلکهای پایین نصف دیه کامل است.	۵۱_ ماده (۵۹۴) خلاف فتوای حضرت امام (علیه‌الرحمه) در مساله ۴ مصدر سابق است، اگر طبق ماده (۳۷۹) فعلی اصلاح شود اشکال رفع می‌گردد.	ماده ۵۹۴_ از بین بردن هریک از پلکهای بالا یا پایین، موجب یک‌چهارم دیه کامل است. در این حکم بین پلک چشم بینا و نابینا فرقی نیست. تبصره_ هرگاه کسی چشم و پلک را یک جا از بین ببرد، هریک دیه جداگانه خواهد داشت.
ماده (۶۰۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۶۰۰_ سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پرده فاصل میان آن، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یک‌سوم دیه کامل است و اگر بهبود یابد، موجب یک‌پنجم	۵۲_ قسمت آخر ماده (۶۰۰) عدد «یک‌دهم» خلاف فتوای حضرت امام (علیه‌الرحمه) و خلاف لایحه می‌باشد باید به عبارت «یک‌پنجم» اصلاح شود.	ماده ۶۰۰_ سوراخ کردن هر دو طرف بینی و پرده فاصل میان آن، خواه با پارگی همراه باشد خواه نباشد، در صورتی که باعث از بین رفتن بینی یا نوک آن نشود، موجب یک‌سوم دیه کامل است و اگر بهبود یابد، موجب یک‌دهم دیه کامل است.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
دیه کامل است.		
<p>ماده (۶۰۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۰۵_ پاره کردن لاله یک گوش، موجب یک‌ششم دیه کامل و پاره کردن نرمة یک گوش، موجب <u>یک هجدهم</u> دیه کامل است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل، ارش ثابت است.</p>	<p>۵۳_ ماده (۶۰۵) «یک‌هجدهم دیه» برای پاره کردن نرمة گوش، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۶۰۵_ پاره کردن لاله یک گوش، موجب یک‌ششم دیه کامل و پاره کردن نرمة یک گوش، موجب <u>یک هجدهم</u> دیه کامل است و در هر دو مورد در صورت بهبودی کامل ارش ثابت است.</p>
<p>ماده (۶۱۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۱۵_ قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ دیه از بین بردن اداء هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنی‌علیه تعیین می‌شود مانند این که از بین بردن قدرت اداء یک حرف شخص فارسی زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است.</p> <p>تبصره ۲_ شخصی که دارای لکنت زبان <u>است</u> و یا به کندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود.</p> <p>ماده (۶۱۷) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۱۷_ هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعدادی از حروف گردد و دیگری مقدار دیگری از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعداد دیگری از حروف شود، هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت اداء آنها را از بین برده است، ضامن می‌باشد.</p>	<p>۵۴_ ماده (۶۱۵) نسبت به از بین بردن قسمتی از زبان گویا، خلاف موازین شرع شناخته شد. (با توجه به مسأله ۳ و ۲ تحریر الوسیله، کتاب الدیات، القول فی الجنایه علی الاطراف المقصد الاول فی دیات الاعضاء السادس للسان مساله ۲ و ۴ اصلاح شود).</p> <p>۵۵_ اشکال ماده (۶۱۵) بر ماده (۶۱۷) وارد است. (با توجه به مساله ۶ مصدر فوق)</p>	<p>ماده ۶۱۵_ قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن اکثرالامرین از نسبت مساحت قطع شده و گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود.</p> <p>تبصره ۱_ دیه از بین بردن اداء هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنی‌علیه تعیین می‌شود مانند این که از بین بردن قدرت اداء یک حرف شخص فارسی زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است.</p> <p>تبصره ۲_ شخصی که دارای لکنت زبان <u>بوده</u> و یا به کندی یا تندی سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود.</p> <p>ماده ۶۱۷_ هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعدادی از حروف گردد و دیگری مقدار دیگری از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت اداء تعداد دیگری از حروف شود، هر شخص <u>اکثرالامرین</u> از نسبت مساحتی که قطع کرده و تعداد حروفی که قدرت اداء آنها را از بین برده است، ضامن می‌باشد.</p>
<p>ماده (۶۱۹) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۶۱۹_ هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است، قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود، لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است، دوسوم آن مسترد می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده است، در صورتی که دیه حروف از بین رفته از <u>دیه نسبت گویایی</u> از بین رفته بیشتر باشد، مابه‌التفاوت آن باید پرداخت شود.</p>	<p>۵۶_ قسمت اخیر ماده (۶۱۹) همان اشکال مواد (۶۱۵) و (۶۱۷) را دارد. (با توجه به مسائل ۲ و ۴ و ۸ مصدر سابق)</p>	<p>ماده ۶۱۹_ هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است قطع شود، به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود، لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده، دوسوم آن مسترد می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده، در صورتی که دیه حروف از بین رفته از <u>دیه مساحت</u> از بین رفته بیشتر باشد، مابه‌التفاوت آن باید پرداخت شود.</p>
<p>تبصره (۱) ماده (۶۲۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره ۱_ هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی</p>	<p>۵۷_ در قسمت اخیر تبصره (۱) ماده (۶۲۱) کلمه «دیه» زائد است باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۲۱_ دندانهای اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد، اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود، ارش ثابت می‌گردد و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود ارش نیز نخواهد داشت.</p> <p>تبصره ۱_ هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی به‌وجود آید،</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
به وجود آید، برای جراحی مزبور، ارش ثابت است.		برای جراحی مزبور، حسب مورد دیه یا ارش ثابت است. تبصره ۲_ هرگاه در مورد این که دندان کنده شده اصلی است یا زائد تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل الامرین از دیه دندان اصلی و ارش دندان زائد پرداخت می‌شود.
<p>ماده (۶۲۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۶۲۳_ در میزان دیه تفاوتی میان دندانهایی که رنگهای گوناگون دارند، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت، سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است.</p> <p>تبصره_ در تغییر رنگ دندان، بدون آن که سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.</p>	<p>۵۸_ در ماده (۶۲۳) کلمه «فاسد» در عبارت «سیاه و فاسد شده است» زائد است باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۲۳_ تفاوتی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می‌باشد، در میزان دیه، وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه و فاسد شود و نیافتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه و فاسد شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است.</p> <p>تبصره_ در تغییر رنگ دندان، بدون آن که سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.</p>
<p>ماده (۶۲۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۶۲۷_ در کندن دندان شیری یک‌صدم دیه کامل ثابت است مگر این که کندن آن موجب گردد دندان دائمی نروید که در این صورت باید دیه کامل دندان دائمی پرداخت شود.</p> <p>تبصره_ شکستن، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب ارش است.</p>	<p>۵۹_ تبصره ماده (۶۲۷) خلاف موازین شرع است، باید مطابق مسأله (۶) مصدر سابق اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۶۲۷_ در کندن دندان شیری ارش ثابت است مگر این که کندن آن موجب گردد که دندان دائمی نروید که در این صورت علاوه بر ارش دندان شیری باید دیه کامل دندان دائمی نیز پرداخت شود، مگر این که دندان شیری همان دندان اصلی شده باشد که در این صورت، تنها دیه دندان اصلی پرداخت می‌شود.</p> <p>تبصره_ شکستن، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری، موجب ارش است و هرگاه آسیب وارده بر دندان شیری موجب رویش ناقص و معیوب دندان اصلی گردد، علاوه بر ارش آسیب وارده، نسبت به دندان دائمی نیز، حسب مورد دیه یا ارش ثابت خواهد بود.</p>
<p>ماده (۶۳۰) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۳۰_ کج شدن و خمیدگی گردن در اثر شکستگی در صورت عدم بهبودی و باقی ماندن این حالت موجب دیه کامل و در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کج شدگی موجب ارش است.</p>	<p>۶۰_ اطلاق حکم به دیه بدون شکستن گردن، در صدر ماده (۶۳۰) خلاف موازین شرع است. (به مسأله ۱ تحریر الوسیله در دیه عنق مراجعه شود).</p>	<p>ماده ۶۳۰_ کج شدن و خمیدگی گردن در صورت عدم بهبودی و باقی ماندن این حالت موجب دیه کامل و در صورت بهبودی و زوال حالت خمیدگی و کج شدگی موجب ارش است.</p>
<p>تبصره ماده (۶۴۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره_ در قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که کمتر از پنج انگشت دارد، علاوه بر دیه آن انگشتان، نسبتی از ارش کف دست نیز ثابت است. بدین ترتیب که اگر دست دارای یک انگشت باشد، علاوه بر دیه یک انگشت، چهارپنجم ارش کف دست و اگر دارای دو انگشت باشد، علاوه بر دیه دو</p>	<p>۶۱_ قسمت اخیر تبصره ماده (۶۴۱) از این جهت که مجموع ارش و دیه انگشتان نباید بیش از دیه یک دست شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶۴۱_ قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که به هر علت دارای انگشت نمی‌باشد، موجب ارش است.</p> <p>تبصره_ در قطع کردن و یا از بین بردن کف دستی که کمتر از پنج انگشت دارد، علاوه بر دیه آن انگشتان، نسبتی از ارش کف دست نیز ثابت است. بدین ترتیب که اگر دست دارای یک انگشت باشد، علاوه بر دیه یک انگشت، چهارپنجم ارش کف دست و اگر دارای دو انگشت باشد، علاوه بر دیه دو انگشت، سه‌پنجم ارش کف دست</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
انگشت، سه پنجم ارش کف دست و اگر دارای سه انگشت باشد، علاوه بر دیه سه انگشت، دو پنجم ارش کف دست و اگر دارای چهار انگشت باشد، علاوه بر دیه چهار انگشت، یک پنجم ارش کف دست نیز پرداخت می‌شود.		و اگر دارای سه انگشت باشد، علاوه بر دیه سه انگشت، دو پنجم ارش کف دست و اگر دارای چهار انگشت باشد، علاوه بر دیه چهار انگشت، یک پنجم ارش کف دست نیز پرداخت می‌شود <u>لکن در تمام این فروض نباید مجموع ارش و دیه انگشتان بیش از دیه یک دست باشد.</u>
<p>بند(ه) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>هـ_ شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی‌حس شدن پاها گردد علاوه بر دیه ستون فقرات، موجب دوسوم دیه برای فلج <u>دو پا نیز است.</u></p> <p>تبصره (۲) ماده(۶۵۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>تبصره ۲_ جنایتی که سبب خمیدگی پشت گردد بدون آن که موجب شکستن ستون فقرات گردد در صورتی که خمیدگی درمان نشود، موجب دیه کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود، <u>دیه آن یک‌دهم دیه کامل است.</u></p>	<p>۶۲_ تقييد بند (ه) ماده (۶۵۱) به اينکه توان راه رفتن از بين نرود، خلاف موازين شرع است.</p> <p>۶۳_ قسمت اخير تبصره (۲) بند (ه) ماده (۶۵۱) در خصوص حکم به ارش، خلاف موازين شرع شناخته شد. (بايد طبق مسأله ۳ تحريرالوسيله كتاب الديات، القول في الجنايه على الاطراف، المقصد الاول في ديات الاعضاء اصلاح شود).</p>	<p>ماده ۶۵۱_ ديه شکستن ستون فقرات به ترتيب ذيل است: الف) شکستن ستون فقرات، در صورتی که اصلاً درمان نشود و يا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب ديه کامل است. ب) شکستن ستون فقرات که بی‌عیب درمان شود ولی موجب از بين رفتن یکی از منافع گردد مانند اين که مجنی عليه توان راه رفتن يا نشستن نداشته باشد و يا توان جنسی يا کنترل ادرار وی از بين برود، موجب ديه کامل است. ج) شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبيل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر ديه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب ديه يا ارش هریک از عوارض حاصله نیز خواهد بود. د) شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک‌دهم ديه کامل است. ه) شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی‌حس شدن پاها گردد، <u>ولی توان راه رفتن از بين نرود، علاوه بر ديه ستون فقرات، موجب دوسوم ديه برای فلج پاها نیز خواهد بود.</u> تبصره ۱_ مراد از شکستن ستون فقرات، شکستن یک يا چند مهره از مهره‌های ستون فقرات به جز مهره‌های گردن و استخوان دنبالچه می‌باشد. تبصره ۲_ جنایتی که سبب خمیدگی پشت گردد بدون آن که موجب شکستن ستون فقرات گردد، در صورتی که خمیدگی درمان نشود، موجب ديه کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود، <u>موجب ارش است.</u></p>
<p>ماده(۶۵۴) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۵۴_ از بين بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد، ديه کامل و هر کدام از آنها، نصف ديه کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت ديه دارد.</p>	<p>۶۴_ در قسمت اخير ماده (۶۵۴) چون ارش مربوط به مواردی است که تقدير شرعی برای ديه جنایت نباشد و در خصوص موضوع مذکور در اين ماده تقدير شرعی وجود دارد بنابراین حکم به ارش در ذيل ماده، خلاف موازين شرع شناخته شد.</p>	<p>ماده ۶۵۴_ از بين بردن دو کپل به نحوی که به استخوان برسد، ديه کامل و هر کدام از آنها، نصف ديه کامل و قسمتی از آن، به همان نسبت ديه دارد. <u>در صورتی که نسبت مشخص نباشد ارش تعيين می‌شود.</u></p>
<p>ماده(۶۵۵) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۵۵_ شکستن استخوان دنبالچه، موجب ارش است مگر آن که جنایت</p>	<p>۶۵_ در ماده (۶۵۵) حکم به اينکه در اين صورت ديه کامل اضافه می‌شود خلاف موازين شرع است بلکه در</p>	<p>ماده ۶۵۵_ شکستن استخوان دنبالچه، موجب ارش است مگر آن که جنایت مزبور</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
مزبور باعث شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد که در این صورت دیه کامل <u>دارد</u> و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد <u>ولی</u> قادر به ضبط باد نباشد، ارش آن نیز پرداخت می‌شود.	این صورت باید تنها دیه کامل داده شود. علاوه بر این ذیل ماده نیز در خصوص افزودن ارش بر دیه کامل و یا ارش مذکور خلاف موازین شرع شناخته شد. (به کتاب الدیات القول فی الجنایه خاتمه الفرع الاول تحریر الوسيله مراجعه شود).	باعث شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد که در این صورت دیه کامل نیز اضافه می‌شود و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد <u>لکن</u> قادر به ضبط باد نباشد، ارش آن نیز پرداخت می‌شود.
ماده (۶۵۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۶۵۶_ هرگاه صدمه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع <u>یا هردو</u> گردد، یک دیه کامل <u>دارد</u> .	۶۶_ ماده (۶۵۶)، خلاف موازین شرع شناخته شد. (به مصدر سابق فرع دوم مراجعه شود).	ماده ۶۵۶_ هرگاه صدمه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و مقعد وارد شده است موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع گردد، یک دیه کامل و اگر موجب عدم ضبط هر دو گردد دو دیه کامل خواهد داشت.
تبصره ماده (۶۵۷) به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره - کندن دنده موجب ارش است.	۶۷_ قسمت اخیر تبصره ماده (۶۵۷) در خصوص اینکه ارش باید بیشتر از دیه شکستن همان دنده باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.	ماده ۶۵۷_ دیه شکستن هریک از دنده‌های محیط به قلب که از آن حفاظت می‌کند، یک چهلیم دیه کامل و دیه شکستن هریک از دنده‌های دیگر، یک‌صدم دیه کامل می‌باشد. تبصره - کندن دنده موجب ارش است. <u>ارش مزبور باید بیشتر از دیه شکستن همان دنده باشد</u> .
ماده (۶۶۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۶۶۲_ هرگاه ازاله بکارت غیر همسر با انگشت یا با وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مهرالمثل است. تبصره ۱_ هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست. تبصره ۲_ رضایت دختر نابالغ <u>یا مجنون یا مکرهی</u> که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است. ماده (۶۶۳) حذف می‌شود.	۶۸_ اطلاق بند (ج) ماده (۶۶۲) در غیر مقاربت، خلاف موازین شرع شناخته شد. ۶۹_ عبارت «غیر رشید» و عبارت «فریب خورده» در قسمت اخیر تبصره (۱) بند (ج) ماده (۶۶۲)، مبهم است باید روشن شود تا اظهار نظر گردد. ۷۰_ اطلاق مهرالمثل در بند (الف) ماده (۶۶۲) و تبصره (۲) آن و همچنین در ماده (۶۶۳) منصرف به مهرالمثل مذکور در باب نکاح، خلاف نظر مقام معظم رهبری در جواب استفتاء معموله می‌باشد، باید مطابق فتوای معظم له اصلاح شود.	ماده ۶۶۲_ ازاله بکارت غیر همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است: الف) هرگاه ازاله بکارت با مقاربت جنسی و بدون رضایت باشد، علاوه بر مهرالمثل آن زن، موجب ضمان ارش ازاله بکارت نیز خواهد بود. ب) هرگاه ازاله بکارت با انگشت یا با وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد، تنها موجب ضمان مهرالمثل خواهد بود. ج) هرگاه ازاله بکارت با مقاربت یا با انگشت یا با وسیله دیگری و با رضایت انجام گرفته باشد، چیزی ثابت نخواهد بود. تبصره ۱_ رضایت دختر نابالغ یا بالغ غیر رشید یا فریب خورده‌ای که رضایت واقعی به زنا نداشته، در حکم عدم رضایت است. تبصره ۲_ در وطی به شبهه ثیب و نیز در زناى به عنف و اکراه با او، مهرالمثل ثابت است و اگر در اثر مقاربت یا زنا، جنایت دیگری بر او وارد شده باشد، دیه <u>با ارش آن نیز باید پرداخت شود</u> . ماده ۶۶۳_ در صورتی که ازاله بکارت به سبب وطی به شبهه باشد، مهرالمثل و ارش البکاره هر دو ثابت می‌باشد.
ماده (۶۶۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۶۶۴_ هرگاه به همراه ازاله بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آن که مثانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند، جنایت مزبور	۷۱_ در ماده (۶۶۴) کلمه «دیه» باید به «حسب مورد دیه یا ارش» تبدیل شود.	ماده ۶۶۴_ هرگاه به همراه ازاله بکارت جنایت دیگری نیز به وجود آید مانند آن که مثانه آسیب دیده و شخص نتواند ادرار خود را ضبط کند، جنایت مزبور دیه جداگانه

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>حسب مورد دیه یا ارش جداگانه دارد.</u></p> <p><u>ماده (۶۶۵) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف_ هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد ، علاوه بر تمام مهری که به موجب عقد نکاح لازم شده است، نفقه زوجه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین برعهده زوج خواهد بود، هرچند همسر خود را طلاق داده باشد.</p> <p>ب) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، علاوه بر تمام مهر، دیه کامل زن نیز باید پرداخت شود.</p> <p>ج) هرگاه همسر، نابالغ باشد، علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین، برعهده زوج خواهد بود، خواه افضاء از طریق مقاربت باشد خواه غیر آن.</p> <p>تبصره_ افضاء عبارت است از یکی شدن دو مجرای بول و حیض، یا حیض و غابط.</p>	<p>خواهد داشت.</p> <p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد، علاوه بر تمام مهری که به موجب عقد نکاح لازم شده است، نفقه زوجه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین برعهده زوج خواهد بود، هرچند همسر خود را طلاق داده باشد.</p> <p>ب) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، علاوه بر تمام مهر، دیه کامل زن نیز باید پرداخت شود.</p> <p>ج) هرگاه همسر، نابالغ باشد، علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین، برعهده زوج خواهد بود، خواه افضاء از طریق مقاربت باشد خواه غیر آن.</p> <p>تبصره_ افضاء عبارت است از یکی شدن دو مجرای بول و حیض، یا حیض و غابط.</p>	<p>خواهد داشت.</p> <p>ماده ۶۶۵_ افضاء همسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سبب مقاربت جنسی باشد، علاوه بر تمام مهری که به موجب عقد نکاح لازم شده است، نفقه زوجه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین برعهده زوج خواهد بود، هرچند همسر خود را طلاق داده باشد.</p> <p>ب) هرگاه همسر، بالغ و افضاء به سببی غیر از مقاربت باشد، علاوه بر تمام مهر، دیه کامل زن نیز باید پرداخت شود.</p> <p>ج) هرگاه همسر، نابالغ باشد، علاوه بر تمام مهر و دیه کامل زن، نفقه نیز تا زمان وفات یکی از زوجین، برعهده زوج خواهد بود، خواه افضاء از طریق مقاربت باشد خواه غیر آن.</p> <p>تبصره_ افضاء عبارت است از یکی شدن دو مجرای بول و حیض، یا حیض و غابط.</p>
<p><u>ماده (۶۶۶) حذف می شود.</u></p> <p><u>ماده (۶۶۷) حذف می گردد.</u></p>	<p>۷۵_ در بند (الف) ماده (۶۶۶) عبارت «غیر رشید» مبهم است، پس از رفع ابهام اظهارنظر می شود، علاوه بر این اشکال مربوط به مواد (۶۶۲) و (۶۶۳) و تبصره (۲) ماده (۶۶۲) در این خصوص نیز وجود دارد.</p> <p>۷۶_ در بند (ب) ماده (۶۶۶) کلمه «رشید» ابهام دارد، باید روشن شود، علاوه بر این عبارت صدر این بند به عبارت «رضایت زن بالغ به مقاربت» اصلاح شود.</p> <p>۷۷_ اشکال مواد (۶۶۲) و (۶۶۳) و تبصره (۲) ماده (۶۶۲) در بند (ج) ماده (۶۶۶) و ماده (۶۶۷) نیز وجود دارد.</p>	<p>ماده ۶۶۶_ افضاء غیرهمسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:</p> <p>الف) هرگاه افضاء شده نابالغ یا بالغ غیررشید یا مکره بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، ارش البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیر مقاربت باشد، دیه کامل زن و در صورت ازاله بکارت، مهرالمثل نیز ثابت خواهد بود.</p> <p>ب) هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و رشید و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد، تنها پرداخت دیه کامل زن ثابت خواهد بود.</p> <p>ج) افضاء ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و دیه، در صورت ازاله بکارت، موجب ارش البکاره نیز می باشد.</p> <p>ماده ۶۶۷_ هرگاه افضاء موجب جنایت دیگری گردد، حسب مورد دیه یا ارش آن جنایت نیز باید پرداخت شود.</p>
<p><u>تبصره (۳) ماده (۶۶۸) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p>	<p>۷۸_ در تبصره (۳) ماده (۶۶۸) عبارت «در قطع باقیمانده ختنه گاه به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی»، خلاف موازین شرع شناخته شد. (باید به تحریرالوسیله، کتاب الدیات الاعضاء فی الجنایه علی الاطراف الخامس عشر مسأله ۵ مراجعه و مطابق آن اصلاح شود) و نیز حکم به اینکه مجموع دیه باقیمانده نباید بیش از دیه کامل باشد، خلاف فتوای حضرت امام</p>	<p>ماده ۶۶۸_ قطع و از بین بردن اندام تناسلی مرد تا ختنه گاه و با بیشتر از آن، موجب دیه کامل است و در کمتر از ختنه گاه به نسبت ختنه گاه محاسبه و به همان نسبت دیه پرداخت می شود.</p> <p>تبصره ۱_ در این حکم تفاوتی بین اندام کودک، جوان، پیر، عقیم و شخصی که دارای بیضه سالم یا معیوب است، وجود ندارد.</p> <p>تبصره ۲_ هرگاه با یک ضربه تا ختنه گاه از بین برود و سپس مرتکب یا شخص دیگری باقیمانده یا قسمتی دیگر از اندام تناسلی را از بین ببرد، نسبت به ختنه گاه،</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
تبصره ۳_ هرگاه قسمتی از ختنه‌گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه‌گاه را شخص دیگری قطع کند، هریک به نسبت مساحتی که از ختنه‌گاه قطع کرده‌اند، ضامن <u>می‌باشند</u> و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه‌گاه را قطع کند و دیگری باقیمانده ختنه‌گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند، نسبت به جنایت اول، دیه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه‌گاه و نسبت به جنایت دوم، ارش مقدار قطع شده از اندام تناسلی ثابت است.	<u>(علیه‌الرحمه) است.</u>	دیه کامل و در مقدار بیشتر، ارش ثابت است. تبصره ۳_ هرگاه قسمتی از ختنه‌گاه را شخصی و قسمت دیگر از ختنه‌گاه را شخص دیگری قطع کند، هریک به نسبت مساحتی که از ختنه‌گاه قطع کرده‌اند، ضامن هستند و چنانچه شخصی قسمتی از ختنه‌گاه را قطع کند و دیگری باقیمانده ختنه‌گاه را به انضمام تمام یا قسمتی از اندام تناسلی قطع کند، نسبت به جنایت اول، دیه به مقدار مساحت قطع شده از ختنه‌گاه و نسبت به جنایت دوم، علاوه بر دیه مقدار قطع شده ختنه‌گاه، ارش مقدار قطع شده از اندام تناسلی نیز ثابت است و در هر حال مجموع دیه باقیمانده ختنه‌گاه و ارش اندام تناسلی نباید بیش از دیه کامل باشد.
ماده (۶۶۹) <u>به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u> ماده ۶۶۹_ قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک‌سوم دیه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دوسوم دیه کامل است لکن در قطع اندام عنین دیه کامل ثابت است. تبصره_ قطع قسمتی از اندام فلج به نسبت تمام اندام تناسلی دیه دارد خواه قسمت مقطوع ختنه‌گاه باشد خواه غیر آن.	۷۹_ در قسمت اخیر ماده (۶۶۹) حکم به ثبوت دیه کامل در خصوص عنین، خلاف موازین شرع است. (به مسأله ۶ تحریرالوسیله مراجعه شود که باید ثلث دیه در نظر گرفته شود).	ماده ۶۶۹_ قطع اندام تناسلی فلج، موجب یک‌سوم دیه کامل و فلج کردن اندام سالم موجب دوسوم دیه کامل است لکن در قطع اندام عنین دیه کامل ثابت است. تبصره_ قطع قسمتی از اندام فلج به نسبت تمام اندام تناسلی دیه دارد خواه قسمت مقطوع ختنه‌گاه باشد خواه غیر آن.
ماده (۶۷۰) <u>به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u> ماده ۶۷۰_ قطع آلت زنانه موجب پرداخت دیه کامل زن است و قطع یک طرف آن موجب پرداخت نصف دیه است.	۸۰_ در صدر ماده (۶۷۰) تعریف ناقص است. (طبق تحریرالوسیله اصلاح شود).	ماده ۶۷۰_ قطع و از بین بردن هریک از دو طرف اندام تناسلی زن، موجب نصف دیه کامل زن است و از بین بردن بخشی از آن، به همان نسبت دیه دارد. در این حکم فرقی میان باکره و غیرباکره، خردسال و بزرگسال، سالم و معیوب از قبیل رتقاء و قرناء نیست.
ماده (۶۷۱) <u>به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u> ماده ۶۷۱_ قطع دو بیضه یکباره دیه کامل و قطع بیضه چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه راست، ثلث دیه دارد. تبصره_ فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست.	۸۱_ ماده (۶۷۱)، خلاف فتوی حضرت امام (علیه‌الرحمه) است.	ماده ۶۷۱_ قطع و از بین بردن دو بیضه، موجب دیه کامل و هرکدام از آنها، موجب نصف دیه کامل است. در این حکم فرقی میان کودک، جوان و پیر و همچنین شخص سالم با شخصی که تمام یا مقداری از اندام تناسلی او قطع شده یا عیبی در اندام او مانند فلج و عنن وجود دارد، نیست.
ماده (۶۷۲) <u>به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</u> ماده ۶۷۲_ دیه ورم کردن یک بیضه، دودهم دیه کامل است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشت‌دهم دیه کامل است.	۸۲_ در قسمت اخیر ماده (۶۷۲)، حکم به اینکه در صورتی که درمان شود موجب ارش است خلاف موازین شرع است.	ماده ۶۷۲_ دیه ورم کردن یک بیضه، دودهم دیه کامل است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشت‌دهم دیه کامل خواهد بود و در صورتی که تورم درمان گردد، موجب ارش است.
ماده (۶۷۳) <u>به شرح زیر اصلاح می‌شود:</u> ماده ۶۷۳_ قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای ملحق به مرد، موجب دیه کامل است. قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای مشکل یا ملحق به زن، موجب ارش است.	۸۳_ ماده (۶۷۳) باید مطابق ماده (۶۷۰) اصلاح شود.	ماده ۶۷۳_ قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای ملحق به مرد، موجب دیه کامل، قطع دو طرف خارجی اندام تناسلی زنانه خنثای ملحق به زن، موجب دیه کامل زن، قطع بیضه‌ها یا اندام تناسلی مردانه خنثای مشکل یا ملحق به زن، موجب ارش و قطع دو طرف خارجی اندام تناسلی زنانه خنثای مشکل یا ملحق به مرد، موجب ارش است.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>ماده (۶۷۷) حذف می‌شود.</p>	<p>۸۴_ در ماده (۶۷۷) پرداخت ارش جهت قطع و از بین بردن نوک پستان زن، خلاف موازین شرع شناخته شد. (مطابق فتاوی حضرت امام (علیه‌الرحمه) در جلد ۲ تحریر الوسیله الرابع عشر الثدی مسأله ۴ اصلاح شود).</p>	<p>ماده ۶۷۷_ قطع و از بین بردن نوک هریک از پستانهای زن، موجب ارش و قطع و از بین بردن نوک هریک از پستانهای مرد، موجب یک‌هشتم دیه کامل است.</p>
<p>ماده (۶۸۰) حذف می‌گردد.</p>	<p>۸۵_ ماده (۶۸۰) با توجه به اینکه حضرت امام (علیه‌الرحمه) در تحریرالوسیله در موارد مختلف فتاوی مختلف دارند، مطابق آنها اصلاح شود.</p> <p>۸۶_ تعیین مدت یکسال در تبصره ماده (۶۸۰) صحیح نیست، باید همانگونه که در تحریرالوسیله حضرت امام (علیه‌الرحمه) آمده به مدت متعارف و در هر مورد با نظر کارشناس باشد.</p>	<p>ماده ۶۸۰_ هرگاه با نظر کارشناس مورد وثوق معلوم شود که منفعت زایل یا ناقص شده بر نمی‌گردد و یا کارشناس قادر به تعیین مهلتی برای بازگشت آن نباشد و یا در زمانی که کارشناس پیش بینی کرده بود باز نگردد، دیه مستقر و پرداخت می‌شود و چنانچه پس از گرفتن دیه، منفعت بازگردد، مقدار مازاد بر ارش زوال موقت آن منفعت، مسترد می‌گردد، مگر این‌که برگشت آن منفعت غیرمتعارف بوده و موهبتی مجدد باشد.</p> <p>تبصره_ مهلتی که کارشناس برای بازگشت منفعت معین می‌کند نباید بیش از یک سال باشد و اگر بیش از آن معین کند در حکم عدم امکان تعیین مهلت خواهد بود.</p>
<p>ماده (۶۸۲) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۸۲_ هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که منفعت، قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به‌طور موقت از بین رفته است از حدقه بیرون بیاید، مرتکب تنها ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است و چنانچه از بین رفتن آن عضو به‌سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد.</p>	<p>۸۷_ ماده (۶۸۲) مقید نمودن موضوع بخصوص موردیکه از طریق کارشناسی روشن شده باشد کافی نیست بلکه از طریق معتبر دیگری ثابت شود که در مدت معینی بر می‌گردد همین حکم جاری می‌باشد، بنابراین لازم است ماده به این صورت اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۶۸۲_ هرگاه در مهلتی که کارشناس مورد وثوق برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده، معین کرده عضوی که منفعت قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به‌طور موقت از بین رفته از حدقه بیرون بیاید، مرتکب تنها ضامن ارش زوال موقت آن منفعت خواهد بود و چنانچه از بین رفتن آن عضو به‌سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو خواهد بود.</p>
<p>ماده (۶۸۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۶۸۵_ جنایتی که موجب زوال عقل یا کم شدن آن شود، هرچند عمدی باشد حسب مورد، موجب دیه یا ارش است و مرتکب قصاص نمی‌شود.</p>	<p>۸۸_ لازم است در ماده (۶۸۵) عبارت «موجب دیه بوده» به عبارت «حسب مورد موجب دیه یا ارش بوده» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۶۸۵_ جنایتی که موجب زوال عقل یا کم شدن آن باشد، هرچند عمدی باشد، موجب دیه بوده و مرتکب قصاص نمی‌شود.</p>
<p>ماده (۶۸۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود:</p> <p>ماده ۶۸۶_ هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زایل شود یا نقصان یابد، هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای دارد.</p>	<p>۸۹_ ذیل ماده (۶۸۶) از عبارت «مگر آن که آن صدمه لازم و ملزوم زوال یا نقصان عقل باشد که در این صورت تنها دیه یا ارش منفعت پرداخت می‌گردد.» چون خلاف موازین شرع است باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۸۶_ هرگاه در اثر صدمه‌ای مانند شکستن سر یا صورت، عقل زایل شده یا نقصان یابد، هریک دیه یا ارش جداگانه‌ای خواهد داشت مگر آن که آن صدمه لازم و ملزوم زوال یا نقصان عقل باشد که در این صورت تنها دیه یا ارش منفعت پرداخت می‌گردد.</p>
<p>ماده (۶۸۷) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:</p> <p>ماده ۶۸۷_ هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل گردد و پس از دریافت دیه کامل عقل برگردد، دیه مسترد و ارش پرداخت می‌شود.</p>	<p>۹۰_ ذیل ماده (۶۸۷) از عبارت «مگر آن که بازگشت آن به نحوی غیر متعارف بوده و موهبتی مجدد باشد.» باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۸۷_ هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل دریافت شود و عقل برگردد، دیه مسترد و ارش پرداخت خواهد شد مگر آن که بازگشت آن به‌نحوی غیرمتعارف بوده و موهبتی مجدد باشد.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p><u>ماده (۶۸۹) حذف می‌شود.</u></p>	<p>۹۱_ تبصره ماده (۶۸۹) اشکال دارد، باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۸۹_ جنایت بر کسی که در اغماء یا بیهوشی و مانند آن است از جهت احکام مربوط به قصاص و دیه، جنایت بر شخص هوشیار محسوب می‌شود. تبصره_ جنایت بر کسی که دچار مرگ مغزی شده در حکم جنایت بر میت است.</p>
<p>ماده (۶۹۲) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۶۹۲_ کاهش شنوایی در صورتی که مقدار آن قابل تشخیص باشد، به همان نسبت دیه دارد.</p>	<p>۹۲_ در ماده (۶۹۲) عبارت «و چنانچه قابل تشخیص نباشد، موجب ارش است.» چون خلاف موازین شرع است، باید حذف شود.</p>	<p>ماده ۶۹۲_ کاهش شنوایی در صورتی که مقدار آن قابل تشخیص باشد، به همان نسبت دیه دارد و چنانچه قابل تشخیص نباشد، موجب ارش است.</p>
<p>ماده (۷۰۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۷۰۰_ از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط یک دیه دارد و از بین رفتن بینایی، دیه دیگری ندارد لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هر کدام <u>حسب مورد</u> دیه یا <u>ارش</u> جداگانه دارد.</p>	<p>۹۳_ در ماده (۷۰۰) عبارت باید به این صورت اصلاح شود که فقط یک دیه دارد و برای بینایی دیه دیگری وجود ندارد و در قسمت آخر ماده هم باید عبارت به «حسب مورد هر کدام دیه یا ارش جداگانه خواهد داشت» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۷۰۰_ از بین بردن یا بیرون آوردن چشم از حدقه فقط موجب دیه بینایی است لکن اگر در اثر صدمه دیگری مانند شکستن سر، بینایی نیز از بین برود یا نقصان یابد، هر کدام دیه جداگانه خواهد داشت.</p>
<p>ماده (۷۰۱) به شرح زیر اصلاح می‌گردد: ماده ۷۰۱_ از بین بردن کامل بویایی، موجب دیه کامل است و از بین بردن قسمتی از آن، <u>ارش</u> دارد. تبصره _ اگر در اثر جنایت، بویایی یکی از دوسوراخ بینی به طور کامل از بین برود نصف دیه کامل دارد.</p>	<p>۹۴_ در ماده (۷۰۱) محاسبه دیه به همان نسبت، خلاف موازین شرع است. (با توجه به ذیل مسأله ۲ الرابع الشّمّ تحریرالوسیله اصلاح شود).</p>	<p>ماده ۷۰۱_ از بین بردن کامل بویایی، موجب دیه کامل و از بین بردن قسمتی از آن، در صورتی که قابل محاسبه باشد به همان نسبت دیه و اگر قابل محاسبه نباشد، <u>ارش خواهد داشت.</u></p>
<p>ماده (۷۰۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۷۰۸_ جنایتی که باعث شود مجنی‌علیه حرفی را به جای حرف دیگر اداء نماید، مانند آن که به جای «ل»، «ر» تلفظ نماید، <u>اگر عرفاً عیب تلقی شود، موجب ارش است.</u></p>	<p>۹۵_ در ماده (۷۰۸) باید عبارت «اینکه اگر عرفاً عیب تلقی شود موجب ارش است.» اضافه شود.</p>	<p>ماده ۷۰۸_ جنایتی که باعث شود مجنی‌علیه حرفی را به جای حرف دیگر ادا نماید، مانند آن که به جای (ل)، (ر) تلفظ نماید، <u>موجب دیه کامل حرف تغییر یافته است.</u></p>
<p>تبصره (۲) ماده (۷۱۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره ۲_ هرگاه <u>هریک از</u> جراحتهای مذکور در ماده (۷۱۷) با یک ضربه به وجود آمده باشد، <u>که از حیث عمق متعدد باشد</u> یک جراحت محسوب می‌شود و دیه جراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شود مانند</p>	<p>۹۶_ عبارت تبصره (۲) ماده (۷۱۸) باید به عبارت «یک جراحت که از حیث عمق متعدد باشد» اصلاح شود.</p>	<p>ماده ۷۱۸_ هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بند (۱) تا (۵) ماده قبل در غیر سر و صورت واقع شود، در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد، دیه به حساب نسبتهای فوق از دیه آن عضو تعیین می‌شود و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد، ارش ثابت است. تبصره ۱_ جراحات وارده به گردن، در حکم جراحات بدن بوده و موجب ارش است. تبصره ۲_ هرگاه جراحتهای مذکور در ماده قبل با یک ضربه به وجود آمده باشد، یک جراحت محسوب شده و دیه جراحت بیشتر را دارد لکن اگر با چند ضربه ایجاد شده باشد مانند این که با یک ضربه حارصه ایجاد شود و با ضربه دیگر آن جراحت مبدل به موضعه شود برای هر جراحت، دیه مستقل ثابت است خواه مرتکب هر دو جنایت</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
این که با یک ضربه حارصه ایجاد شود و با ضربه دیگر آن جراحات مبدل به موضعه شود برای هر جراحی، دیه مستقل ثابت است، خواه مرتکب هر دو جنایت یک نفر خواه دو نفر باشد.		یک نفر باشد خواه دو نفر.
<p><u>ماده (۷۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p><u>ماده ۷۲۱</u> _ نافذه جراحی است که با فرو رفتن وسیله ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می شود <u>دیه آن در مرد یک دهم دیه کامل است و در زن ارش ثابت می شود.</u></p>	<p>۹۷_ اطلاق حکم ماده (۷۲۱) نسبت به زن، خلاف موازین شرع است. (مطابق تحریرالوسیله اصلاح شود)</p>	<p><u>ماده ۷۲۱</u> _ نافذه جراحی است که با فرو رفتن وسیله ای مانند نیزه یا گلوله در دست یا پا ایجاد می شود و موجب یک دهم دیه کامل است.</p> <p><u>تبصره ۱</u> _ حکم مذکور در این ماده نسبت به اعضائی است که دیه آن عضو بیشتر از یک دهم دیه کامل باشد، در عضوی که دیه آن مساوی یا کمتر از یک دهم دیه کامل باشد، ارش ثابت است مانند این که گلوله در بند انگشت فرو رود.</p> <p><u>تبصره ۲</u> _ هرگاه شیئی که جراحی نافذه را به وجود آورده است از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحی نافذه محسوب می شود.</p>
<p><u>ماده (۷۲۶) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p><u>ماده ۷۲۶</u> _ هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله ای که باشد، به عمد، شبه عمد یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می شود.</p>	<p>۹۸_ در ماده (۷۲۶) اطلاق ممنوع نمودن مرتکب از دیه سهمی خود در سقط جنین که دیه بر عهده عاقله نیست، خلاف موازین شرع شناخته شد.</p>	<p><u>ماده ۷۲۶</u> _ هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله ای که باشد، به عمد، شبه عمد یا خطا از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت شده و مرتکب سهمی از دیه نخواهد برد.</p> <p><u>تبصره</u> _ هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نخواهد بود.</p>
	(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	
<p><u>ماده (۷۱۲) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p><u>ماده ۷۱۲</u> _ جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود <u>به ترتیب زیر دیه دارد:</u></p> <p><u>الف</u> _ در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد.</p> <p><u>ب</u> _ در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو سوم دیه کامل دارد.</p> <p><u>پ</u> _ در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد.</p>	<p>۱_ ماده (۷۱۲) اشکال شرعی دارد چنانچه مطابق ماده (۴۷۴) قانون مجازات اسلامی اصلاح شود اشکال موجود رفع می گردد.</p>	<p><u>ماده ۷۱۲</u> _ جنایتی که به طور دائم موجب سلس و ریزش ادرار گردد، موجب دیه کامل و جنایتی که موجب ریزش غیردائمی ادرار گردد موجب ارش است.</p>
<p><u>ماده (۷۱۴) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p><u>ماده ۷۱۴</u> _ از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب دیه کامل است.</p>	<p>۲_ در ماده (۷۱۴) دیه کامل باید به ارش تبدیل شود. (در لایحه ارسالی به مجلس نیز ارش بوده است) (به کتاب تحریرالوسیله، کتاب الدیات، القول فی الجنایه علی الاطراف السادس مراجعه شود).</p>	<p><u>ماده ۷۱۴</u> _ از بین بردن قدرت انزال یا تولید مثل مرد یا بارداری زن و یا از بین بردن لذت مقاربت زن یا مرد موجب دیه کامل است.</p>
<p><u>ماده (۷۱۷) به شرح زیر اصلاح می شود:</u></p> <p><u>ماده ۷۱۷</u> _ جراحات سر و صورت و دیه آنها به ترتیب ذیل است:</p>	<p>۳_ بند (۳) ماده (۷۱۷)، عبارت باید مانند بند (۲) اصلاح شود. (کلمه «موجب» حذف شود)</p>	<p><u>ماده ۷۱۷</u> _ جراحات سر و صورت و دیه آنها به ترتیب ذیل است:</p> <p>۱_ حارصه: خراش پوست بدون آن که خون جاری شود، یک صدم دیه کامل،</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
<p>۱_ حارصه: خراش پوست بدون آن که خون جاری شود، یک صدم دیه کامل</p> <p>۲_ دامیه: جراحی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد، دو صدم دیه کامل</p> <p>۳_ متلاحمه: جراحی که <u>وارد</u> گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه صدم دیه کامل</p> <p>۴_ سمحاق: جراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد؛ چهار صدم دیه کامل</p> <p>۵_ موضحه: جراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار بزند و استخوان را آشکار کند، پنج صدم دیه کامل</p> <p>۶_ هاشمه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحی را ایجاد نکند، ده صدم دیه کامل</p> <p>۷_ منقله: جنایتی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده صدم دیه کامل</p> <p>۸_ مأمومه: جراحی که به کیسه مغز برسد یک سوم دیه کامل</p> <p>۹_ دامغه: جراحی که کیسه مغز را پاره کند، که علاوه بر دیه مأمومه، موجب ارش شدن کیسه مغز نیز می‌باشد.</p> <p>تبصره ۱_ جراحات گوش، بینی، لب در غیر مواردی که برای آن دیه معین شده است، در حکم جراحات سر و صورت است.</p> <p>تبصره ۲_ ملاک دیه در جراحتهای مذکور، مقدار نفوذ جراحات است و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد.</p> <p>تبصره ۳_ جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد، موجب یک بیستم دیه کامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد، موجب یک پنجم دیه کامل است.</p>	<p>۴_ بند (۷) ماده (۷۱۷)، عبارت «جنایتی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد.» (با توجه به کتاب تحریرالوسیله جلد ۲، کتاب الدیات، القول فی الجنایه علی الاطراف المقصد الثالث فی الشجاج و الجراح، السابع اصلاح شود).</p> <p>۵_ در بند (۸) ماده (۷۱۷)، کلمه «صدمه» اضافه است حذف شود. و مناسب است عبارت ذیل به عنوان تبصره به بند (۸) ماده (۷۱۷)، اضافه گردد:</p> <p>«تبصره_ در صورتی که شتر ملاک دیه قرار گیرد (۳۳) شتر کافی است.»</p> <p>۶_ در بند (۹) ماده (۷۱۷)، کلمه «صدمه» باید حذف گردد.</p> <p>۷_ چون اطلاق تبصره (۱) بند (۹) ماده (۷۱۷)، شامل زبان و داخل دهان هم می‌شود اشکال شرعی دارد بنابراین باید اصلاح شود.</p> <p>۸_ در تبصره (۳) بند (۹) ماده (۷۱۷)، عبارت «در این مورد چنانچه پس از بهبودی جراحی، اثر و عیب فاحشی، در صورت باقی بماند، علاوه بر آن، یک بیستم دیه دیگر نیز باید پرداخت شود.» اشکال دارد چون دیه تعیین شده است این عبارت حذف گردد.</p> <p>۹_ بند (۹) تبصره (۴) ماده (۷۱۷)، خلاف شرع است باید کلاً حذف شود.</p>	<p>۲_ دامیه: جراحی که اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان کم یا زیاد خون باشد، دو صدم دیه کامل،</p> <p>۳_ متلاحمه: جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد، سه صدم دیه کامل،</p> <p>۴_ سمحاق: جراحی که به پوست نازک روی استخوان برسد؛ چهار صدم دیه کامل،</p> <p>۵_ موضحه: جراحی که پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کند، پنج صدم دیه کامل،</p> <p>۶_ هاشمه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحی را تولید نکرده باشد، ده صدم دیه کامل،</p> <p>۷_ منقله: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود و درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده صدم دیه کامل،</p> <p>۸_ مأمومه: صدمه یا جراحی که به کیسه مغز برسد یک سوم دیه کامل،</p> <p>۹_ دامغه: صدمه یا جراحی که کیسه مغز را پاره کند، که علاوه بر دیه مأمومه، موجب ارش شدن کیسه مغز نیز می‌باشد.</p> <p>تبصره ۱_ جراحات گوش، بینی، لب، زبان و داخل دهان، در غیر مواردی که برای آن دیه معین شده است، در حکم جراحات سر و صورت است.</p> <p>تبصره ۲_ ملاک دیه در جراحتهای مذکور، مقدار نفوذ جراحی بوده و طول و عرض آن تأثیری در میزان دیه ندارد.</p> <p>تبصره ۳_ جنایت بر گونه در صورتی که داخل دهان را نمایان نسازد، موجب یک بیستم دیه کامل و اگر به نحوی باشد که داخل دهان را نمایان سازد، موجب یک پنجم دیه کامل است. در این مورد چنانچه پس از بهبودی جراحی، اثر و عیب فاحشی، در صورت باقی بماند، علاوه بر آن، یک بیستم دیه دیگر نیز باید پرداخت شود.</p> <p>تبصره ۴_ هرگاه جنایت موضحه صورت بعد از التیام اثری از خود بر جای بگذارد، علاوه بر دیه موضحه، یک هشتادم دیه کامل نیز ثابت است و هرگاه جنایت در حد موضحه نبوده و بعد از التیام اثری از آن باقی بماند، علاوه بر دیه جنایت، یک صدم دیه کامل نیز ثابت است و چنانچه جنایت شکافی در صورت ایجاد کند دیه آن هشت صدم دیه کامل است.</p>

تذکرات: (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

- ۱_ بند (۴) ماده (۳۹) ظاهراً منظور «همان سابقه کیفری مؤثر» است، عبارت اصلاح شود.
- ۲_ تعریف «اقرار» در ماده (۱۶۳) ناقص است، باید اصلاح گردد.
- ۳_ تعریف «سوگند» در ماده (۲۰۰) ناقص است، باید اصلاح گردد.
- ۴_ در ماده (۲۰۵) عبارت «و یا ادا کننده سوگند قادر به تکلم نباشد» زاید است، حذف شود.
- ۵_ در تبصره ماده (۲۱۰) عبارت «علم استنباطی» تعریف شناخته شده نیست.
- ۶_ در ذیل تبصره (۲) ماده (۲۱۴) کلمه «امانت» اصلاح شود.
- ۷_ در ماده (۲۱۶) منظور از کلمه «تهیه» همان کلمه «تصویب» است، باید اصلاح شود.
- ۸_ ماده (۶۳) قانون مجازات فعلی جایگزین ماده (۲۲۲) گردد.
- ۹_ در موارد فوق ماده (۲۲۸) که ناظر به اعدام است باید استثناء شود.
- ۱۰_ تعریف «مساحقه» در ماده (۲۳۸) ناقص است، باید اصلاح شود.
- ۱۱_ عبارت ماده (۲۶۴) باید اصلاح شود.
- ۱۲_ در بند (۷) ماده (۲۶۹) بعد از کلمه «مسکوک» باید کلمه «رایج» ذکر شود. و در این ماده باید تصریح شود، ربودن که از باب تقاص باشد موجب حدّ سرقت نیست.
- ۱۳_ در جزء (۱) ماده (۲۹۱) عبارت «یک» حذف گردد.
- ۱۴_ در ذیل ماده (۳۰۸) بعد از عبارت «موجب ارتکاب» کلمه «آن» باید اضافه شود.
- ۱۵_ در ماده (۳۷۹) بعد از عبارت «ثابت شود» عبارت «دادگاه بررسی های لازم را معمول و در صورت عدم اثبات اکراه با سوگند» آورده شود.
- ۱۶_ در ماده (۳۸۲) بعد از عبارت «در غیر این صورت» عبارت «حسب مورد» اضافه شود.
- ۱۷_ در ماده (۳۸۵) باید عبارت «دیه بر قاتل است» آورده شود.
- ۱۸_ در ماده (۳۸۶)، اگر قتل در یکی از ماههای حرام باشد فاضل دیه تغلیظ نمی شود، باید اصلاح شود. با توجه به مسأله ۲۳ تحریرالوسیله در بحث القول فی مقادیرالدیات عبارت «ارتکاب در حرم مکه معظمه» نیز اضافه شود.
- ۱۹_ در ماده (۳۸۷) بعد از عبارت «در غیر این صورت» عبارت «حسب مورد» اضافه شود.
- ۲۰_ با توجه به اینکه کتاب پنجم این قانون هنوز تصویب نشده است، ارجاع به آن در مواد این مصوبه موجه نمی باشد.

تذکرات: (۱۳۸۹/۰۹/۰۱)

- ۱_ در ماده (۴۳۹) عبارت «ولی دم نمی تواند وی را دوباره قصاص نفس کند، ...» به عبارت «ولی دم حق قصاص او را دارد لکن باید ابتدا قاتل حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت کند» اصلاح شود.
- ۲_ در ذیل ماده (۴۴۵) بی هوشی یا بی حسی یا عدم آنها حق جانی است.
- ۳_ در ماده (۴۴۹)، ذکر مواد (۶۱۲) و (۶۱۴) ارتباطی به این قانون ندارد.
- ۴_ در ماده (۴۵۱) قبل از عبارت «با جلب نظر کارشناس» عبارت «در صورت لزوم» اضافه شود.
- ۵_ در ماده (۴۶۱) باید به فصل چهارم ادله اثبات در خصوص سوگند ارجاع داده شود.
- ۶_ در ماده (۴۸۸) عبارت «علیه شخص یا اشخاص معینی» حذف شود.
- ۷_ در ماده (۴۹۰) کلمه «مجری» زائد است، باید حذف شود.
- ۸_ در صورت انفصال یا اخراج کسر از حقوق در ماده (۴۹۰) معنی ندارد.
- ۹_ در ماده (۴۹۲) بجای کلمه «باشند» کلمه «باشد» صحیح است.
- ۱۰_ قید ناشناسی در تبصره (۱) ماده (۵۱۸) لازم نیست.
- ۱۱_ تبصره ماده (۵۲۳) باید قید گردد در مواردی که در ماده حکم به ضمان شده است.
- ۱۲_ در بند (ب) ماده (۵۴۳) کلمه «مسری» باید اصلاح گردد.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۰/۰۸/۰۷)	نظرات شورا (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)(۱۳۸۹/۰۹/۰۱)(۱۳۸۹/۱۲/۲۸)	مصوبه مجلس (۱۳۸۸/۱۰/۰۹)
		<p>۱۳_ ماده (۵۵۷) در صدر ماده آورده شود این احکام مربوط به مسلمانان است.</p> <p>۱۴_ در تبصره ماده (۵۵۹) عبارت «غروب آفتاب» به عبارت «مغرب شرعی» اصلاح شود.</p> <p>۱۵_ ماده (۵۹۷) سطر سوم عبارت «موجب یک دهم دیه کامل» اصلاح شود.</p> <p>۱۶_ در ماده (۶۱۰) عبارت «هرکدام دیه جداگانه‌ای خواهد داشت» به عبارت «حسب مورد هر کدام دیه یا ارش جداگانه دارد» اصلاح شود.</p> <p>۱۷_ عبارت ماده (۶۳۸) به عبارت «فلج کردن فک پایین دوسوم دیه آن و قطع فک فلج شده یک سوم دیه فک را دارد» اصلاح گردد.</p> <p>۱۸_ در ماده (۶۴۰) با توجه به تبصره ماده (۶۴۱) حکم قطع قسمتی از کف دست باید مشخص شود.</p> <p>۱۹_ لازم است ماده (۶۵۰) همانند بحث الرجلان تحریرالوسیله بنحو روشن تنظیم گردد.</p> <p>۲۰_ دربند(ه) ماده (۶۵۱) کلمه «ولی» در عبارت «ولی توان راه رفتن از بین نرود» به کلمه «ولو» اصلاح گردد.</p> <p>۲۱_ در ماده (۶۷۰) کلمه قطع قبل از عبارت «از بین بردن بخشی از آن» آورده شود.</p> <p>۲۲_ در ماده (۷۱۹) حرف «و» اضافه است.</p> <p>۲۳_ باتوجه به اینکه کتاب پنجم این قانون هنوز تصویب نشده است ارجاع به آن در این مصوبه موجه نمی باشد.</p>

اداره قوانین شورای نگهبان

۱۳۹۰/۰۸/۱۰